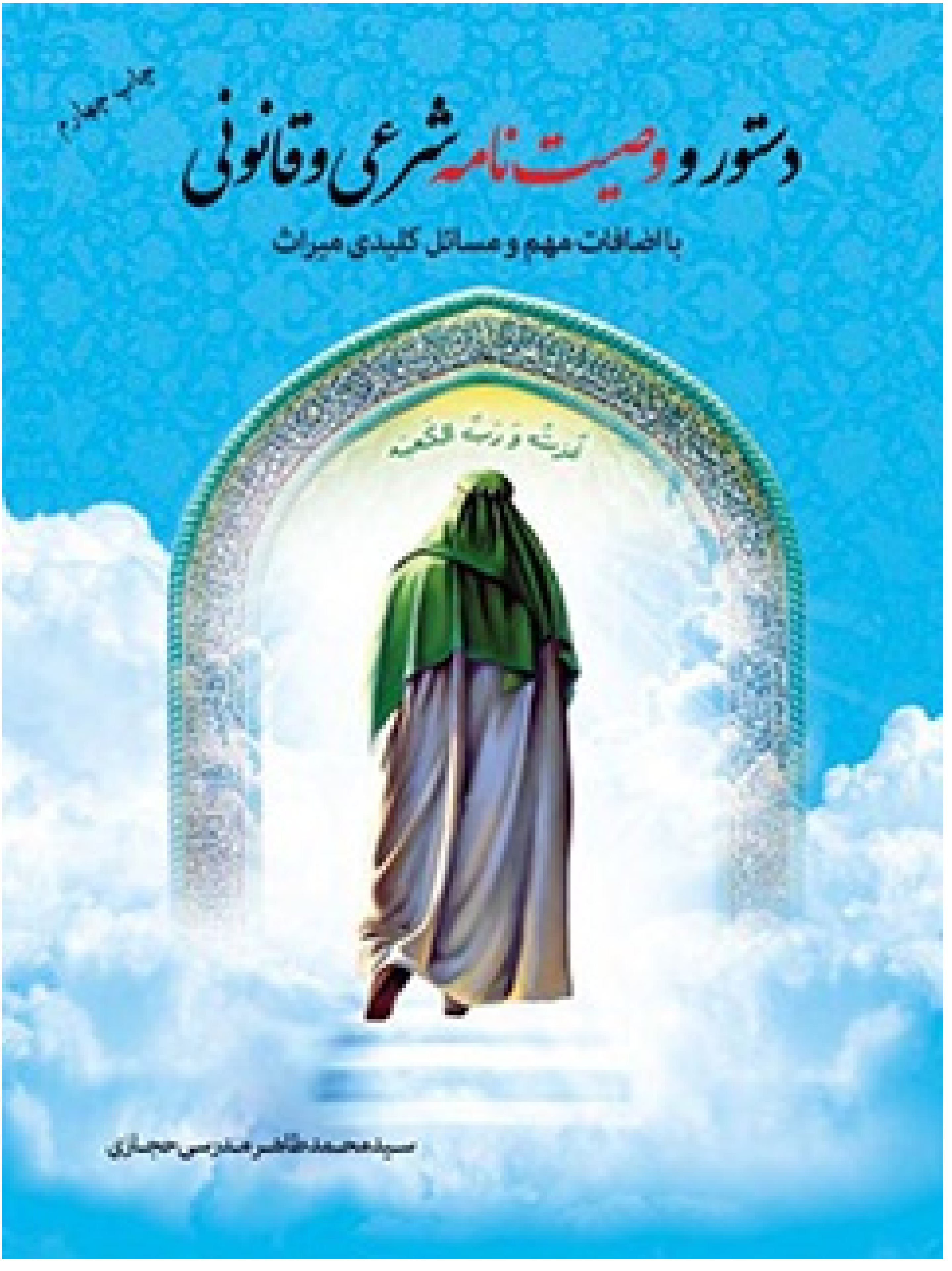

چاپ چهارم
دستور وصیت نامه شرعی و قانونی
با اضافات مهم و مسائل کلیدی میراث

بسم الله الرحمن الرحیم

# دستور و وصیت نامه شرعی و قانونی (پیش از سفر حج و ... وصیت لازم است)


نویسنده:

محمدطاهر مدرسی



ناشر چاپی:

ولایت

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

## دستور و وصیت نامه شرعی و قانونی

### مشخصات کتاب

سرشناسه:مدرسی، سیدمحمدطاهر، ۱۳۳۷ -

عنوان و نام پدیدآور:دستور و وصیت نامه شرعی و قانونی (پیش از سفر حج و ... وصیت لازم است)/ سید محمد طاهر مدرسی.

مشخصات نشر:مشهد: انتشارات ولایت، ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری:۱۶۰ ص.؛ ۱۰ × ۱۴ س م.

شابک:۳۹۰۰۰ ریال : ۹۷۸-۹۶۴-۶۱۷۲-۱۰-۴

یادداشت:چاپ قبلی: انتشارات ولایت، ۱۳۸۸ (۹۲ص.).

یادداشت:چاپ سوم.

یادداشت:کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع:وصیت و وصیت نامه ها (فقه)

موضوع:Wills (Islamic law)

موضوع:وصیت و وصیت نامه ها -- فرم ها و پرسش نامه ها

موضوع:Wills -- Forms

رده بندی کنگره:BP۱۹۲/۷/م۴د۵ ۱۳۹۳

رده بندی دیویی:۲۹۷/۳۷۲

شماره کتابشناسی ملی:۳۵۰۶۰۰۰

ص: ۱

### اشاره

## اشاره

•وصیّت، دستور خدا (جل جلاله)، پیامبر(صلّی الله علیه و آله وسلّم ) و ائمه (علیهم السّلام) است.

• وصیّت در امور واجب، واجب و در امور مستحبی، مستحب است. : وصیت عمر و زندگی را پر بار می سازد. • وصیّت غافلان را بیدار و بیشتر متوجه خدا و آخرت می کند : وصیت یکی از برنامه سفر به سوی خداست..

• وصیت شما را از اموال تان بهره مند می سازد.

• وصیت نامه، زندگی خانواده را نیز سامان می دهد.

• وصیت، بسیار مهم و اجتناب ناپذیر است.

در این کتاب می خوانید .

• داستان مهم حاجی احمد احسانی .

• داستان های بسیار جالب و آموزنده .

• اهمیت وصیّت، اقسام وصیت و....

• آداب محتضر و آداب میت و....

• چکیده ای از وصایای قرآن مجید، رسول اکرم (صلّی الله علیه و آله وسلّم ) و اهل بیت(علیهم السّلام) و اصلاحیه روش های نامناسب موجود.

• مسائل مهم، عمده و کلیدی ارث مطابق فتوای مراجع تقلید .

• دو گونه فرم و روش نوشتن وصیت نامه آقایان و خانم ها.

ص: ۵

**فهرست**

## پیشگفتار

سپاس خدای را که مرگ و زندگی را به عنوان دو پدیدهٔ مهم، مثبت و ارزشمند آفرید تا بیازماید که چه کسی نیکوکارتر است، و درود بی پایان خدای سبحان، فرشتگان و کائنات بر پیامبران الهی(علیهم السّلام) به خصوص نبیّ خاتم حضرت محمد(صلّی الله علیه و آله وسلّم ) و آل طاهرین او(علیهم السّلام) که نجات بخش بشریت اند، و رحمت بر مؤمنان مخلص و بندگان صالح خدا که با «وصیّت مشروع» زندگانی دنیا و آخرت شان را سامان بخشیده اند.

## وصیّت در سیره ی پیشوایان دین(علیهم السّلام)

پیامبران الهی از حضرت آدم(علیه السّلام) تا نبی خاتم(صلّی الله علیه و آله وسلّم ) و اوصیای بزرگوارشان: وصیت های مهمّی داشته اند و نیز دستور داده اند که هر مسلمانی باید وصیّت کند تا افزون بر پاداش از مال و دارایی شان بی نصیب نمانند. در این باره آیات و روایات فراوانی وجود دارد که به ذکر برخی روایات بسنده می شود.

عَن رَسولِ اللهِ الأَعظَمِ(صلّی الله علیه و آله وسلّم ): «مَن لَم یُحسِنِ الوَصِیَّةَ عِندَ مَوتِهِ کَانَ نَقصاً فِی

ص: ۱۳

عَقلِهِ وَ مُرُوَّتِهِ ...»(۱)؛

پیامبر(صلّی الله علیه و آله وسلّم ):«کسی که در وقت فوت خود خوب وصیّت نکند [ وصیّت مشروع و معقول] این کار، نقصی در عقل و اندیشه و مروّت اوست...»

عَنِ الرَّسولِ(صلّی الله علیه و آله وسلّم ):«مَن ماتَ عَلی وَصِیَّهٍ حَسَنَهٍ ماتَ شَهیداً.»(۲)

- «کسی که با وصیّت نیکو و خوب بمیرد با مقام شهید مرده است.»

مستحب است که انسان در زندگی همواره آماده ی سفر آخرت باشد؛ یعنی (وصیّت کند، امانات مردم را برگرداند، بدهکاری ها را بپردازد، کفن برای خود آماده نماید، کارهای خود را منظّم سازد و از گناهان گذشته ی خود توبه کند که واجب است و توبه را به تأخیر نیندازد.)

حضرت لقمان(علیه السّلام) به پسر خود وصیّت کرد و فرمود:«ای پسرم!

توبه را به تأخیر مینداز که مرگ، ناگهانی می آید.»(۳) [مرگ کسی را خبر نمی کند.]

آری، مرگ حتمی و علاج ناپذیر است و هرگز در اختیار انسان نیست. انسان با یک تفکر جدّی می توانـد برترین سرنوشت را برای خود رقم بزنـد و دنیا و آخرت را با یک دیـد عرفانی تحلیل کرده و برترین راه و روش را برگزیند.

آری بایـد توجه داشت که ظواهر و مادیات زنـدگی و زرق و برق دنیایی زایل می شونـد، ثروت، ریاست، قـدرت، شـهرت و... هم خود فانی شـدنی است و هم جلو اجل را نمی تواننـد بگیرنـد اما ایمان، حقایق، اعمال شایسته و ارزش های دینی، ابدی و پایدارند و نیز زندگانی جاودانی را به ارمغان می آورند.

جلال الدین محمّد بلخی در یکی از شعرهایش زنگ خطر را به صدا آورده است و مسئله را عینی ساخته می گوید:



---

۱- فلاح السائل،ص ۶۶ و میزان الحکمه: باب وصیّت ۶۸۳۸

۲- مستدرک الوسائل، ج۲ ص۱۱۸

۳- بحارالانوار، ج۷۱ ص ۳۰۷

عاقبت خاک شود حسن جمال من و تو

خوب و بد می گذرد وای به حال من و تو

قرعه امروز به نام من و فردا دگری است

می خورد تیر اجل بر پروبال من و تو

مال دنیا نشود سدً رهِ مرگ کسی

گیرم ار کل جهان باشد از آنِ من و تو...

فشرده ی سخن این که رهایی از پنجه ی توانمند مرگ امکان ناپذیر است، اما آن چه که مهم است خوب مردن است که خود زندگانی جاوید است و بستگی به ایمان، اراده و عمل صالح و شایسته دارد.

چه زیبا گفته است شاعر زیبا سخن:

دلا باید که از دار فنا رفت

شتابان جانب ملک بقا رفت

خوشا آن کس که با ایمان کامل

ز دنیا با ولای مرتضی(علیه السّلام) رفت

بدون تردید انسان خطا و اشتباه دارد که می توان آن را با توبهٔ راستین جبران کرد و با آبشار توبه، پاکیزگی و صفا را باز یافت و افزون بر آن محبوب خدای بزرگ شد؛ انسان به هر شکل و به هر زبانی می تواند توبه کند، و برای راهگشایی مناسب توبه کلمات متین و جالبی در فرهنگ ما بیان شده است تا بتوان از آن بهرهٔ بهتر گرفت، مثل صیغهٔ توبه:

## صیغه ی توبه

شایسته است که انسان با غسل و نیّت خالص، تصمیم قاطع، و اعتراف

ص: ۱۵

قلبی این گونه توبه کند:

«إنّی أستَغفِرُ اللهَ العَظِیمَ وَ أتُوبُ إلَیهِ، اُشـهِدُ اللهَ وَ جَمِیعَ مَلائِکَتِهِ وَ أنبِیائِهِ وَ رُسُلِهِ وَ حَمَلَهَ عَرشِهِ وَ جَمِیعَ خَلقِهِ، أنّی نادِمٌ عَلی مَا سَلَفَ مِنَ الذُّنُوبِ وَ المَعاصِی وَ مُعتَرِفٌ بِها، وَ أنّی عازِمٌ عَلی أن لاّ أعُودَ إلَیهَا، وَ قَد عَاهَدتُ اللهَ تَعالی، عَلی ذلِکَ ألفَ عَهدٍ فِی عُنُقِی یطَالِبُنِی بِهِ یومَ القِیامَهِ وَ صَلَّی اللهُ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ.»

صیغهٔ توبه، تابلوی راهنما است. مهم ترین توبه جبران مافات است که انسان حق الله و حق النّاس را اگر مدیون باشد باید بپردازد و طلب مغفرت کند (مثل قضای نماز، روزه، خمس، زکات، حج، کفّاره، مظالم العباد، قرض و دَین و دیه اگر مدیون باشد، تاوان، مهریهٔ زن، حق میراث و...) با انجام آن ها استغفار کند و اگر نتوانست یا نرسید باید وصیّت کند که مطابق شریعت برایش انجام دهند.

## ثواب داشتن کفن

از امام صادق(علیه السّلام) روایت شده است:

«کسی که کفن همراه خود در خانه داشته باشد از غافلان حساب نمی شود و هرگاه به کفن خود نظر کند خداوند به او اجر و پاداش می دهد.»(۱)

## در کفن و جریدتین چه چیز نوشته شود؟

سزاوار است که در هر پارچه ی کفن میّت بعد از نوشتن نام و نام پدرش بنویسند:



---

۱- اصول کافی، ج۳، ص۲۵۶.

«يَشهَدُ أن لاّ إلهَ إلاّ ٱللّه وَ أنَّ محَمَّداً رَّسولُ ٱللهِ وَ أنَّ عَلِيّاً أميرُ ٱلمُؤمِنينَ (عليه السّلام)وَ ٱلحَسَنَ وَ ٱلحُسَينَ وَ عَلياً وَ محمَّداً وَ جعفَراً وَ موسیٰ وَ عَليّاً وَ محمَّداً وَ عَليّاً وَ ٱلحَسَنَ وَ ٱلحُجَّة ٱلمَهدیَّ(عليهم السّلام) أئِمَّتُهُ أئِمَّهٌ هُدیً أبرارٌ.»(۱)

می شود که در جریدتین (دو چوب تر و تازه که با میّت می گذارند) این کلمات را با تربت حضرت امام حسین(علیه السّلام) بنویسند. یا از نسخه ای که در برخی از کتب ثبت شده است بنویسند.

خواننده ی عزیز! کتابی را که در دست دارید دارای هفت فصل و یک خاتمه به این شرح می باشد:

فصل اوّل: داستان های وصیت (جالب و خواندنی )

فصل دوّم: پیش زمینه و اهمّیّت وصیّت.

فصل سوّم: تعریف و مسائل مهم وصیت

فصل چهارم: برخی آداب محتضر و آداب میّت.

فصل پنجم: چکیده ی برخی وصایای مهمّ (قرآنی و وصایای نبی گرامی اسلام(صلّی الله علیه و آله وسلّم ) و ائمهٔ طاهرین.)(علیهم السّلام)

فصل ششم: پیشنهاد های ویژه و مهم

فصل هفتم: برخی احکام کلیدی ارث در دو بخش

خاتمه: دو قسم فرم وصیت نامه

منظور، اهمّیّت وصیّت در آیات و روایات، مسائل مهم ارث و

داستان مسافر مصمّم بوده است؛ لطفا یک باراین کتاب را مطالعه کنید.

ص: ۱۷

---

۱- مفاتیح الجنان ص ۱۲۶۹.

## فصل اوّل: داستان های وصیت

### اشاره

در این فصل داستانی از یک انسان وارسته درباره ی وصیّت، آمده است که به حق آموزنده و سازنده است. به دوستان سفارش می شود که با دقّت این داستان ها را بخوانند.

### مسافر مصمّم (حاج احمد احسانی)

یک روز پدر پیری در گوشهٔ خانه نشسته بود و به محاسن سفید خود دست می کشید، اشک هایش دانه دانه بر گونه هایش می غلتید، شانه های ناتوانش می لرزید و سخت ناراحت بود.

یکی از فرزندانش (صادق) که پسر زرنگ، خردمند، حسّاس و مؤدب بود، و پدر و مادر و... خود را بسیار دوست داشت

متوجّه پدر مهربانش شد، با خود گفت: پدرم هر روز بعد از تعقیب نمازش خرسند و شاداب می نشست و با بچه ها و نوه هایش صحبت می کرد، اما امروز به گوشه ی خانه خزیده و نگران نشسته است.

ص: ۱۹

صادق طاقت نیاورد مؤدبانه جلو آمد، سلام کرد، دست پدر را بوسید و با صدای لرزان گفت: پدر! می بینم نگران و گریان هستید؟

پدرش آهی سوزناک از دل کشید و گفت: پسرم! سفر مهم و طولانی در پیش دارم!.

- شما به سفرمی روید؟ .

- آری پسرم.

- با این پیری و ناتوانی سفر برای چه؟

- سفر اجباری است، چاره ای ندارم باید بروم.

- از سفر شما مادر و خانواده، خبر دارند؟

- چه عرض کنم، شاید اجمالاً بدانند!.

- پدر! مسافرت رفتن که ناراحتی و نگرانی ندارد، شما چرا گریان و ناراحت هستید؟

- پسرم! این سفر با سایر سفرها فرق دارد.

- پدر! شما، کی به سفر می روید؟

- روز و ساعت آن معلوم نیست.

- پدرجان! آیا مادر یا برادرم با شما می آیند؟

- خیر پسرم.

- شما به تنهایی سفر می کنید؟

- بله پسرجان! به تنهایی (آه آه از تنهایی).

- پدرجان! هیچ کسی همراه شما نیست؟

- شاید شاید چه عرض کنم ...

- کسی به شما کمک و رسیدگی می کند؟.

– چه می دانم [آه می کشید و اشک می ریخت. ناگاه از سوز دل فریاد زد «یاحسین!».

– پدرجان مرا با خود نمی برید؟.

– خیر، امکان ندارد خدا شما را حفظ کند.

پیرمرد آه کشید و با صدای لرزان گفت: خدایا! جز به رحمت تو، و عنایات پیامبر(صلّی الله علیه و آله وسلّم )، علی(علیه السّلام)، زهرا(علیهاالسّلام) و خاندان رسالت امیدی ندارم.

پسر باهوش احساس کرد پدرش منظور دیگری دارد، از جایش بلند شد با رنگ پریده و بدن لرزان نزد مادرش آمد و گفت: مادر! پدرم عزم سفر دارد، و سخنان عجیبی می گوید.

– پسرم! پدرت به سفر می رود؟ عجیب است.

– آری مادرجان.

– پسرم! او شوخی می کند، چه سفری؟

پسر حسّاس و زرنگ دوید به خانه ای که بعضی از برادران و خواهرانش بودند، سلام کرد. آنان هم با مهربانی جواب سلامش را دادند امّا احساس کردند که این کودک پیامی دارد.

پس از چند لحظه سکوت سنگین، صادق گفت: شما خبر دارید که پدر به مسافرت می رود؟

گفتند: آقا صادق شوخی می کند، چه مسافرتی؟ او توان مسافرت رفتن را ندارد.

صادق به گوشه ی چشم نگاه کرد که هرسه عروس زیرچشمی به هم نگاه کردند و لبخند زدند، یکی گفت: سفر؟!! کاش زودتر. دیگری گفت: شاید سفر مرگ باشد، سخن سوّمی را کودک متوجّه نشد (بعد معلوم شد که عروس

ص: ۲۱

سوّمی سخت ناراحت شده و گفته است که این حرف ها چیست؟ او رحمت و برکت است).

دختر کوچک تر (معصومه) که بسیار بابایی بود ناراحت شد و باعجله خود را به پدر رسانید، دید پدرش غمگین و نگران است، تسبیحی از خاک کربلا را در دست دارد و لب های لرزانش مشغول ذکر و دعا است و اشک در چشمان کم نورش حلقه زده است دختر مهربان به پدرش سلام کرد، جواب سلام را بریده بریده از پدر شنید، دست پدر را بوسید و گفت: پدرجان! شما عزم سفر دارید؟.

- آری دخترم، ناگزیر از مسافرتم.

- پدرجان! سفر چرا؟.

- عزیزم چاره ای نیست.

- پدرجان! کی حرکت می کنید؟.

- دخترم! بستگی به ارادهٔ خداوند دارد.

- پدرجان! چه وقت برمی گردید؟

- دخترم ! در این باره سؤال نکنید!

- پدرجان! شما باید زود به زود تلفن بزنید.

پدر آهی از دل کشید و گفت: از تلفن زدن معذورم! تلفن، تلفن آه چگونه تلفن بزنم؟!.

کاش شما مرا فراموش نکنید و تلفن بزنید! اشک پیرمرد مثل رگبار بهاری بر محاسن سفیدش سرازیر شد.

دختر نازپرورده اش با ناراحتی تمام به نزد مادرش آمد در حالی که قطره قطره اشک بر گونه های معصومش می غلتید، گفت: مادر! پدرم خیلی ناراحت است و گریه می کند و عزم سفر دارد.

دخترم! ناراحت نباش پدرت به سفر نمی رود.

سپس خانم، خدمت شوهرش آمد سلام کرد، پیرمرد با آه سوزناک جواب سلام را داد.

خانم: چه شده چرا گریه می کنید؟ از چه مسافرتی صحبت می کنید که همه را ناراحت کرده اید؟! مسافرت برای چه؟ مگر توان مسافرت دارید؟ در گوشه ی خانه به یاد خدا باشید نه به فکر سفر.

پیرمرد با صدای لرزان گفت: مگر نمی دانی که کار من تمام است و عمرم به پایان رسیده است. سفر، سفر آخرت است! من برای دنیا خیلی زحمت کشیدم و برای خانواده و بچه ها بسیار کار کردم امّا عمر خویش را به غفلت سپری کردم و برای آخرت خود کاری نکردم. می دانم که دستم خالی، عملم ناچیز، قبرم تاریک، سفرم طولانی، آینده ام نامعلوم است و... چه کنم که گریه نکنم؟ در آخر عمر هیچ کاری از من ساخته نیست آه، آه، آه.

چه کسی به فریادم می رسد، آیا شما خانم مهربان؟ یا فرزندان، اقوام، دوستان و... نه نه، هیچ کسی جز خدا و اعمال ناچیزی اگر داشته باشم !.

خانم: خدا را شکر کنید، فرزندان برای شما دلسوز هستند و آبرومندانه متوجّه شما هستند... .

پیرمرد: من متوجّه هستم، مراسم فاتحه، عزاداری، روز هفتم، چهلم و... برای چشم و هم چشمی ها و رقابت های جاهلانه و ریاکاری خواهدبود و به حال من هیچ فایده ای نخواهدداشت! من نمی دانم آیا درباره ی واجبات من (نماز، روزه، زکات، خمس، مظالم عباد، بدهکاری ها و...، کسی از فرزندانم توجّه خواهدکرد یا نه؟ نمی دانم، نمی دانم، همه به فکرکار خود خواهند بود، و مرا فراموش خواهندکرد!! گرچه از فرزندان و بعضی از نزدیکانم امیدوار هستم اما برخی دیگر را چه بگویم؟

ص: ۲۳

سپس ساکت شد و سر به زانوی غم نهاده اشک می ریخت؛ سکوت سنگین فضای خانه را فراگرفته بود، لحظه ها به کندی می گذشت. ناگاه صدای روحبخش اذان مغرب سکوت را شکست، اهل خانه برای نماز و صرف شام رفتند، شب سپری شد و پس از نماز صبح تحوّل جدید پدید آمد ...

## به سوی بیمارستان

اشعه ی طلایی خورشید از پنجره ها سَر می کشید... ناگهان پیرزن فریاد کشید: آی بچه ها! بچه ها! دو نفر از پسران (مهدی و صادق) و یک دختر (فاطمه) و یک عروس (همسر عباس که بسیّار با ادب و با اخلاص بود) دویدند وارد خانه شدند با منظره ی دلخراشِ افتادنِ پیرمرد در کنار پنجره روبرو شدند، فوراً او را برداشتند و با ماشین شخصی شان به بیمارستان بردند ... .

معصومه که پدرش را بسیار دوست داشت دید که یکی از عروس ها از پشت شیشه ی پنجره نگاه می کند و می خندد. معصومه فریاد زد: خجالت بکش چرا می خندی؟ عروس: خفه شو! دخترک نازنازی، وقت یتیم شدن توست! دیگر از غُرغُر آن پیر خِرِفت راحت خواهیم شد.

معصومه که دیگر چاره ای نداشت با اشک و آه آمد که از برادرانش خبر بگیرد که چرا با پدرشان به بیمارستان نرفته اند، دید یکی از پسران (عباس) موی سر خود را شانه می کند، دو تای دیگر (پرویز و خسرو) هنوز به خواب ناز هستند! دختر فریاد کشید وای چرا با پدر به بیمارستان نرفتید؟!. پرویز عربده کشید، ساکت باش! بگذار بخوابیم، اگر مُرد شاید کسی زیر خاکش کند!!!

دختر با سرعت هرچه تمام تر آمد پای تلفن که خواهرانش را باخبر کند، دید کسی با تلفن صحبت می کند، گوش داد که همسر خُسرو با برادرش صحبت

می کند و می گوید: او را به بیمارستان برند شاید دیگر برنگردد، و از این زندگی دسته جمعی و شلوغ بازار، نجات پیدا کنیم.

[زندگی دسته جمعی مشکلات فراوان دارد، در حدّ توان باید آن را حل کرد.]

معصومه آرام گوشی تلفن را گذاشت، گوشی را برداشت صحبت قطع شد، معصومه با خواهرش تماس گرفت و گفت: کجایی زود بیا که حال پدرمان خوب نیست، پدر را به بیمارستان بردند.

آن دختر بیچاره پشت تلفن شوکه شد و فریادی زد؛ گویا جهان در نظرش تاریک شد، گوشی را پرت کرد و با هر سه طفلش به خانه ی پدرش آمد، دست به گردن خواهرش انداخت و هر دو اشک می ریختند که زنگ در به صدا درآمد، در را باز کردند دیدند که آقا صادق با فاطمه و خانم عباس آقا از بیمارستان برگشتند، گفتند آرام باشید حال حاج بابا بهتر شده است.

خواهران پرسیدند: ناراحتی ایشان چه بوده است؟

صادق: فشارشان افتاده بود و ناراحتی قلبی هم که داشت اگر چند دقیقه ی دیگر به دکتر نمی رسید خطرناک بود.

هر دو خواهر با مشورت برادرشان چند تا آبمیوه از مغازه گرفتند و به بیمارستان رفتند دیدند که پدرشان راحت روی تخت قرار دارد و سرُم که به دستش وصل است و قطره قطره می چکد، و مادرشان کنار سر و برادر بزرگ (آقا مهدی) پایین پای پیرمرد نشسته اند. دختران سلام کردند و از این که حال پدرشان خوب بود خوشحال شدند. دیدند که پنج نفر دیگر نیز در این اتاق هستند.

سرُم پیرمرد (حاجی احمد احسانی) رو به تمام شدن بود که سه نفر دکتر و دو نفر پرستار، وارد اتاق شدند، گفتند شما بیرون باشید.

مهدی: لطفاً بفرمایید که پدرمان امشب این جا می ماند یا به خانه ببریم؟

دکتر پرونده و وضع پیرمرد را نگاه کرد، گفت: امشب باید بماند شما مطمئن باشید. سپس فرزندان از پدر اجازه گرفته به خانه رفتند و مادرشان کنار همسرش ماند. (او یار باوفاست امّا ...)

### رازهای شگفت انگیز

پس از بیرون رفتنِ دکترها، پیرمرد روی تختش نشست. به سایر بیمارانی که در اتاق بودند سلام کرد و حالشان را پرسید، سپس صحبت شروع شد، خانم گوش می داد که چه صحبت هایی می شود.

یکی از بیماران (کریم انوری) گفت: آقای احسانی فرزندان خوب و باادبی دارید.

پیرمرد: فرزنـد هرطور باشد پدر و مادر آنان را دوست دارند و از فضل خداوند برخی از فرزندانم خیلی خوب هسـتند، بعضـی دامادها و عروس هایم نیز دوست داشـتنی هسـتند؛ من در حق آنان دعای خیر دارم و از الطاف خداوند سپاس گزارم.

### آه از سرنوشت من

کریم انوری: من خیلی بدبختم! سه پسر و دو دختر دارم، آنان تا بیمارستان مرا نیاوردند، همسایه ها زحمت کشیدند. در این چهار روز که در بیمارستانم و از درد می سوزم از من خبر نگرفته اند!

پیرمرد: آقای انوری! شما با پدر و مادر خود چگونه برخورد داشته اید که امروز از فرزندان خود شکایت دارید؛ دنیا دارِ مکافات است.!

انوری: برخورد من بدبختانه با والدینم خوب نبود که جداً پشیمانم! و

خجالت می کشم.

پیرمرد: پس از رحلت والدین چه کردید؟.

انوری: چه عرض کنم؛ وقتی پـدرم از دنیا رفت چون پسـر بزرگش بودم، مرا وصـیّش قرار داد و به من وصـیت کرد: یک سال نماز، یک ماه روزه، هفتاد نماز آیات و...؛ امّا متأسـفانه من به وصـیّت هایش عمل نکردم. الآن فکر می کنم که تمام بـدبختی های من از همین ناحیه است؛ ما سه تا برادر و دو خواهر بودیم. دو برادر و یک خواهر ما صـغیر بودنـد، یک خواهر ما هم ازدواج کرده بود بعـد از مراسـم چهلم پدرم، به وسوسه ی همسرم گوسفندان، زمین و باغ پدری را فروختم هرچه خواهرم داد زد قبول نکردم از روستا به شهر آمدم و بچه های یتیم پدر را در همان خانه ی روستایی با شش رأس گوسفند و فرش و ظرف کهنه گذاشتم.

آخوند محل سه مرتبه با من صـحبت کرد که چرا مال صـغیرها را تصـرّف می کنی؟ خوردن مال یتیم مثل خوردن آتش است، چرا به وصیّت پدر خود عمل نمی کنی؟ و...، هر بار که صحبت می کرد من جواب سربالا می دادم تا بالأخره با آخوند محل دعوا کردم که تو برای من موی دماغ شدی و او را از خانه بیرون کردم.

پیرمرد: «لا حَولَ وَ لا قُوَّهَ إلاّ بِاللهِ العَلیِّ العَظیم» آه از غفلت و گمراهی!.

انوری: آقـای احسـانی! به دنبـاله ی صـحبت هایم توجّه کنیـد. من با پول هایی که از میراث پـدر و مال همه ی ورثه بود یک خانه که دارای یک مغازه بود رهن و اجاره کردم و برای خانه فرش و ظرف و لوازم تهیّه کردم، ظاهراً زنـدگی من سـروسامان گرفت، از این وضـعیت خوشـحال بودیم گاهی که خواهر و برادرم به شـهر می آمدنـد به خانه ما هم سـری می زدند. من و همسـرم با ایشان برخورد بد می کردیم، بعد از سپری شدن پنج ماه و بیست روز، شبی با همسر و بچه ها

به عروسی یکی از اقوام مان رفته بودیم فردای آن روز برگشتیم که مغازه و خانه، آتش گرفته و کاملاً سوخته است!! هرچه دار و ندارِ ما بود همه تبدیل به خاکستر شده بود. پس از آن با زحمتِ طاقت فرسا خسارت خانه و مغازه را پرداختم و دیگر روز خوشی ندیدم. از شما چه پنهان پیش اهل روستا و بستگان شرمنده ام دیگر رو ندارم به آن روستا بروم. آخوند محل را دوبار در خیابان دیدم و خودم را کنار کشیدم. الآن فکر می کنم بدبخت ترین آدم دنیا هستم، همسرم سال گذشته درگوشهٔ خانهٔ اجاره ای از دنیا رفت با مشکلات فراوان مراسم ختمش را سپری کردم و هنوز بدهکارم.

### نتیجه ی آتش

جناب آقای احسانی! آن آخوند نسبت به من دلسوزی داشت و نصیحت های خوبی برایم می کرد و گویا همین روزهای تلخ را برای من به تصویر می کشید، ضررهای دنیایی و آخرتی عمل نکردن به وصیّت و خوردن مال مردم و حق یتیمان را بیان می کرد و می گفت: «خوردن مال یتیم مثل خوردن آتش است و جای تو در جهنم است!!»

من سخنان حکیمانه ی آن روحانی دلسوز را که به حق دکتر معنوی بود قبول نکردم آخر آتش مرا خورد و جهنّم را در دنیا دیدم.

سپس کریم انوری آهی کشید و سر را تکان داد و شروع کرد به اشک ریختن و گفت: اگر در این شرایط بمیرم، چه کسی مرا کفن و دفن می کند، تنها امیدواری من به خواهرانم است، [آن هایی که حق میراث شان را زهرِ مار کردم]. من شرمنده ی آن ها هستم، این بود نمونه ای از جهنّم دنیایی که دارم، نمی دانم در آخرت چه عذاب هایی در انتظار من است، جواب خدا و والدینم را چه خواهم داد؟.

ص: ۲۸

آقـای احسانی (پیرمرد) گفت: از خـدا نااُمیـد نباش و توبه کن. بایـد حقوق آنان را برگردانی و رضایت شان را جلب کنی! وصیّت خوب است و شـما هم بایـد به وصیّت عمل می کردیـد. عمل کردن به وصیّت واجب و لازم است، و هنوز دیر نشده است، باید همواره خدا را در نظر داشت و شما نباید مأیوس و نااُمید شوید؛

اگر توبه ی واقعی کنید خدای سبحان شما را خواهد آمرزید.

**وصیّ بی تقوی (دزد رسمی!)**

یکی از بیماران (آقای دلاوری) گفت: اگر خود آدم ایمان و تقوی نداشته باشد، وصیّت نامه چه کند؟ این بابا (آقای انوری) به وصیّت نامه ی پدرش چه قدر عمل کرد که دیگران عمل کنند؟!

پـدر من هم وصیّت نـامه داشت و هم مال و دارایی؛ وقتی که از دنیا رفت، عمویم را وصـیّ خود تعیین کرد، من یازده ساله بودم، برادرم نُه ساله و خواهرم شـش ساله. یک سال پس از فوت پـدر مرحومم مادرم با عمویم ازدواج کرد، تا دو ماه بعـد از ازدواج شان وضع مان بهتر بود، ولی بعد از آن، کارهای دشوار به دوش ما بود و عمویم با هر دو زن و دو فرزندش دارایی ما را حیف و میل کردند، (وصیّت پدرم فراموش شد و...) ما با لباس های کهنه و گاهی با حال بیماری در یک اتاق سـرد با پتوهای کهنه و چرکی سپری می کردیم و عمویم می گفت من خودم وصـی برادرم می باشم!؛ وصی بود اما تقوی نداشت و دزد با چراغ بود!

یک عمّه و یک عموی بزرگتر داشتیم، گاهی می آمدند و می گفتند: «چرا دل شـما به حال فرزندان یتیمِ برادرتان نمی سوزد؟ اموال پدرشان چه شد؟» عموی بی انصاف ما با آن ها دعوا می کرد و مادرم هم خود را کنار می کشید! تا آن که پس از سه سال ما را از خانه بیرون کردند. تنها خواهرم با ایشان ماند،

می خواستیم علیه عموی مان شکایت کنیم که اتفاقاً در یک تصادف با هر دو همسرش کشته شد، پول های عمویم در اختیار دو نفر از دوستان بی بندوبارش بود که آن ها هم پول ها را انکار کردند.

### جالب و خواندنی

یکی دیگر از بیماران به نام «سیّد حسین احمدی» گفت: آقای احسانی! حالا که هرکس دفتر زندگی خود را باز کرد من هم خوب است عرایضی داشته باشم.

پدر ما (سیّدمحمّد احمدی) خدمت گزار حسینیه و مسجد، اهل نماز و روزه و عبادت بود. ماه محرم و صفر همواره لباس مشکی می پوشید و از اموال خود، خرج حسینیه و مجالس عزاداری امام حسین(علیه السّلام) می کرد.

مادرم را پیش از اذان صبح بیدار می کرد که پس از نافله ی شب و نماز صبح وسایل حسینیه و صبحانه را برای عزاداران، آماده کند. چون در روستای ما بعد از نماز صبح، روضه بود. والدین ما نمازهای شان را در اوّل وقت می خواندند و ما را نیز چنین بار آورده بودند.

پدرم همه ساله در اوّل نوروز، حساب سال داشت. ایشان آخوند محل را می آورد، سهم و خمس خود را حساب می کرد و هر سال وصیت نامه ی خود را تجدید می نمود و می گفت: «وصیّت نامه ضروری است اگر وصیت نامه نداشته باشید غیر از کفن و دفن از بقیه اموال و دارایی خود محروم هستید» و در بین مردم اعلام می کرد که همه ی شما باید وصیّت نامه داشته باشید.

با صراحت می گفت: «کسی که نماز نمی خواند حقّ داخل شدن به حسینیه را ندارد. کسی که حساب سال ندارد و وجوهات نمی دهد، نباید در نذر او شرکت کرد.»

پدرم می گفت: «امام حسین(علیه السّلام) برای روضه خوانی و سینه زنی شهید نشده است، بلکه برای حفظ دین و نماز و عبادت و برای عدالت و امر به معروف و نهی از منکر شهید شده است و...»

پدرم دو بار به کربلا مشرّف شده بود. برای ما مهر، تسبیح، گردن بند از خاک کربلا و نیز خلعتی آورده بود. هم چنین برای ما از نهر فرات و از نهر علقمه ی حضرت ابی الفضل(علیه السّلام) آب آورد.

پدرم همواره از امام زمان (عجّل الله تعالی فرجه الشّریف) یاد می کرد و برای سلامتی و فرج آقا دعا می کرد و صدقه می داد.

فراموش نمی کنم زمانی را که پدرم مریض شد و ۱۲ روز بیماری ایشان طول کشید. تمام اهل روستا و از روستاهای دیگر به عیادت او می آمدند و برای او دعا می کردند؛ در روز سوّمِ مریضی خود، همسر، فرزندان، برادران و خواهران خود را جمع کرد وصیّت نامه ی خود را به دست برادر بزرگم (سیّدعلی) داد که بخواند (پدرم ما را قرآن خواندن و سواد آموخته بود).

## وصیّ مسئولیت شناس

برادرم سیّدعلی احمدی با صدای بلند وصیّت نامه ی پدرم را

خواند، و پدرم در همان مجلس دوباره وصیّت نامه را به امضای همسر و فرزندانش رساند و سه بار تکرار کرد که سیّدعلی وصیّ من است. سیّدعلی نیز در حضور جمع قبول کرد. سپس پدرم دفترچه ای آورد که در آن طلبکاری ها و بدهکاری هایش نوشته شده بود و حتّی سهم مبارک امام(علیه السّلام) و سهم سادات عظام و زکات و زکاتِ فطره را هم یادداشت کرده بود.

در وصیّت نامه اش نوشته بود: «پیراهن مشکی مرا که در عزاداری امام حسین(علیه السّلام) می پوشیدم داخل قبر، زیر پهلوی راستم بگذارید.»

او به فرزندانش سفارش کرده بود که: عزاداری امام حسین(علیه السّلام) را خوب برگزار کنند و نیز سفارش کرده بود که همواره خدمتگزار مادرشان باشند و او را نرنجانند.

سرانجام، سحرگاه پنج شنبه پدرم فوت کرد. تشییع جنازه ی پدرم بسیار باشکوه بود. و شب جمعه به خاکْ سپرده شد. از روز شنبه که سوّمین روز فوت پدرم بود، سیّدعلی آخوند محل را دعوت کرد و وصیّت نامه را باز نمود، اوّلین چیزی که روی آن توجّه شد مهریه ی مادرم بود. در وصیّت نامه آمده بود، که چندین بار من مهریه ی همسرم را به ایشان داده ام امّا ایشان نگرفته اند. اوّل مهریه ی او را بپردازید!. سپس ثُلث (یکْ سوّم) اموال مرا به مصارفی که به شرح زیر تعیین شده است برسانید:

۱- نماز قضا (نماز یومیّه و نماز آیات)

۲- روزه قضا . ۳- زکات و زکات

فطره. ۴- سهم مبارکْ امام(علیه السّلام).

۵- سهم سادات عظام. ۶- مظالم عباد. ۷- حج میقاتی.

۸- مراسم عزاداری. ۹- هزینه ی تحصیل یکْ طلبه ی فقیر.

۱۰- مصرف برای حسینیه. ۱۱- مصرف برای مسجد محل.

۱۲- کمکْ به ده نفر یتیم. ۱۳- قرآن وقفی۱۴ جلد.

۱۴- کمکْ به برخی از اقوام. ۱۵- خرج ازدواج یکْ یتیم.

۱۶- تأمین جهیزیه ی دختری که معلّم قرآن بود.

مابقی اموال هم بین ورثه تقسیم شد.

[وصیّ باید باتقوی، آگاه به مسایل دینی و بی اعتنا به مال دنیا باشد، وصیّت را قبول کند و...]

پدرم دوتا داماد داشت. داماد کوچکْ تر نظرش خوب بود، امّا داماد بزرگْ تر که

بی سواد هم بود از این وضعیّت راضی نبود (شاید انتظار میراث بیشتری را داشت) هر چه هم نِق زد و خمیازه کشید کسی توجّه نکرد، عنوان داماد و عروس مهم نیست. مهم ایمان و تقوا و تربیت سالم است، راستی عروس های پدرم، بسیار او را دوست داشتند و مرتب دعا می کردند. عروس بزرگ پدرم (همسر سیّدعلی) در اتاقی دیگر نشسته و قرآن می خواند و هر دو کودک او در کنارش بازی می کردند. (تمام آن صحنه ها برای من خاطره انگیز و فراموش ناشدنی است.) یک برادرم به نام سیّد هادی و یک خواهرم (طیّبه) صغیر بودند؛ حق آنان را کاملاً جدا کردند و در دفتر نوشتند و به مادرمان محوّل کردند، چون پدرم، مادرمان را به عنوان قیّم و سرپرست فرزندانش تعیین کرده بود. پس اگر وصیّت این گونه باشد و وصی، خدا را در نظر بگیرد و این طور عمل کند خوب نیست؟.

آقای احسانی: بلی اگر وصی، آدم درست و خداترس باشد، به وصیّت عمل خواهدکرد.

### صلوات در اتاق بیمارستان

افراد داخل اتاق سرا پا گوش شده بودند و تحسین می کردند. یکی از بیماران: نثار روحش صلوات! همه با صدای بلند صلوات گفتند: «اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَّ آلِ مُحَمَّدٍ وَّ عَجِّل فَرَجَهُم»

یکی از پرستاران سراسیمه آمد، گفت: چه خبر؟ گفتند: خبری نیست. گفت: شما صلوات فرستادید ما نگران شدیم.

– خیر؛ مشکلی نیست، ما برای گذشتگان مان صلوات فرستادیم.

پرستار: صلوات آری، اما این جا بیمارستان است.

آقای احمدی: معذرت می خواهم. سپس چند دقیقه سکوت حاکم شد.

آقای احسانی (پیرمرد) سکوت را شکست و به هم اتاقی های دیگرش گفت: شما صحبت نکردید؟.

### دوستان ناباب

یکی از بیماران (آقای نادری) گفت: بهتر است بنده صحبتی نداشته باشم.

آقای احسانی: چرا؟ شما هم صحبت کنید.

آقای نادری: ما دو برادر و یک خواهر بودیم، ما دو برادر خیلی بـد بودیم. یعنی بـد نبودیم امّا دو عامل در بدیِ ما تأثیر داشت: نخست، دوسـتان ولگرد و بی بندوبار. دوم پدر و مادرمان که بسـیار نازِ ما را می کشـیدند. اگر گاهی پـدر ما ناراحت می شـد، مادر، از ما حمایت می کرد. اگر مادر ما ناراحت می شـد، پدر، ما را نوازش می داد! تا آن که ما، نازنازی و پُررو شدیم، درس نخواندیم و کار نکردیم، همواره بـا دوسـتان نابـاب و تحت تأثیرشـان بودیم، نه کـاری، نه احساس مسـئولیتی و نه برنامه ای. هنگام حضور در خانه فقط خواب بودیم، و دیگر اوقات و حتی شب ها را در خیابان ها پرسه می زدیم و پیرمردان، کارگران، مسـتمندان و آخوندها را مسـخره می کردیم و... جز به ولگردی به چیز دیگر فکر نمی کردیم، گاهی از مغازه ها چیزی می خریدیم و پول آن را نمی دادیم، دسته جمعی به خانه های همدیگر می رفتیم، به خور و خواب و یاوه سرایی به سر می بردیم و...

یک روز دوستان ما به خانهٔ ما آمده بودند. در وقت بیرون رفتن یکی از آنان قُلَک صَدقه را از خانهٔ ما دزدید که پدر و مادرم همواره طعنه می زدند و در حقّ شان دعای بد می کردند.

### نتیجه ی بی بندوباری

جناب آقای احسانی! ما با همان دوستان ناباب به آن بی بندوباری ها ادامه دادیم

تا آن که در بین مردم بی اعتبار شدیم، دوست و دشمن ما را مسخره می کردند، پدر و مادرمان را به حال رقّت بار رها و محل را ترک کردیم و برای همیشه بدبخت و رسوا شدیم و هنوز هم، روز روشن به آن محل نمی توانیم برویم، دنیا و آخرت ما بر باد رفت. دعا کنید دشمن جان شما مثل ما رسوا نشود. این کلمه را گفت و سرش را به دیوار کوبید! و آه کشید که همه را متأثّر کرد.

پیرمرد آهی کشید و گفت: تربیت خانوادگی، تربیت مدرسه و محیط اجتماع مهم و مؤثر است، و از همه مؤثرتر دوستان و همراهان است، شخصیّت هرکسی را از شخصیّت دوستانش باید شناخت و نیز لقمه های حلال و حرام در ساختن انسان نقش بسیار قابل توجهی دارند.

## الگوهای خودسازی

سپس آقای محمّد روحانی روی تخت خود نشست؛ او خیلی آدم مؤدب و با وقار بود، گفت: من چند سالی در مدرسه درس خوانده ام و سپس به حوزه ی علمیه رفته و مشغول درس حوزوی هستم و نیز در دبیرستان تدریس می کنم، البته این مطالب را برای خودنمایی عرض نمی کنم معذرت می خواهم؛ بنده وقتی که به صحبت های شما گوش می دادم، فراز و نشیب های زیادی را در افکار خود پیمودم و با عرض معذرت می خواهم تذکّر بدهم که برای موفّقیّت انسان چند چیز نقش اساسی دارد:

۱- تربیت درست خانوادگی.

۲- وضعیت محیط سالم.

۳- داشتن دوستان خوب و سالم.

۴- آموختن علم و دانش.

ص: ۳۵

۵- بهره برداری از عقل و منطق.

۶- از همه مهم تر اتّکاء به خدا و پیروی آگاهانه از پیامبر(صلّی الله علیه و آله وسلّم ) و خاندان آن حضرت(علیهم السّلام) .

۷- داشتن ایمان، تقوا و...

من خـدا را سپاس می گویم که پـدر و مادرم زنده هسـتند و سایهٔ آن دو فرشـتهٔ رحمت الهی روی سـرِمان است، بنده، دو برادر و دو خواهر دارم، پدر و مادرمان که پنج فرزند را بزرگ کرده اند، تا هنوز حتّی یکْ بار هم دور از ادب صحبت نکرده اند و با حفظ حرمت یکْ دیگر با فرزندان شان محترمانه رفتار می کنند، بچه ها در بین شان درگیری ندارند، مؤدبانه صحبت می کنند و به نماز و عبادات شان پای بند هستند؛ پدر و مادرمان مرتّب به ما توصیه می کنند که حقوق دیگران را رعایت کنیم و با اخلاق نیکْ با تمام اقوام و دوسـتان مان برخورد کنیم و با افرادی که آنان را نیازموده ایم دوست نشویم، همـهٔ اقوام و بسـتگان، مـا را دوست دارنـد، مـا تمـام این هـا را برای خـدا انجام می دهیم و می خواهیم آینـدهٔ روشن داشـته باشـیم. و به همین دلیل پس از حق خـدا و پیامبر(صـلّی الله علیه و آله وسلّم ) و امامان(علیهم السّلام) ، حق والـدین را که بسیّار مهم است کاملاً رعایت می کنیم و از خدا می خواهیم که به ما توفیق عنایت فرماید تا فرزندانی صالح باشـیم و به وصایای شان خوب عمل کنیم، البته اگر خدمت والدین را خوب انجام دهیم، فرزندان ما نیز رعایت حال ما را خواهندکرد، چرا که دنیا، دنیای مکافات و مجازات است.

آقای احسانی (پیرمرد): احسنت، احسنت، هزار آفرین بر شما، شما الگوی خوبی هستید ... .

ص: ۳۶

## نتیجه ی رازها

آقای احسانی: از مجموع صحبت هایی که شد باید نتیجه بگیریم که خداوند به بندگانش بهترین نعمت ها را ارزانی داشته است و از رحمت بی پایان او همه بهره مندند که اگر بندهٔ او باشیم و به دستورش عمل کنیم دنیا و آخرت مان آباد خواهند شد، لذا باید از فرصت ها خوب استفاده کنیم، چرا خودمان برای خود کاری نکنیم که در آینده و پس از مرگ، منتظر زن و فرزند باشیم، باید کارهای اصلی را خودمان انجام دهیم.

[وصیّت لازم است امّا او آخرین کار است که از عنایات ویژهٔ الهی است.]

پس از مرگ مان، اگر آنان به وصیت ما عمل کردند هم به نفع ماست و هم به سود خودشان.

همسر آقای احسانی: شما دوستان با این صحبت ها حاجی را حسّاس تر کردید معلوم نیست که چه بلایی بر سرِ ما و بچه ها بیاورد. [همه خندیدند.]

آقای احسانی نگاه مرموزی به همسرش کرد و ساکت ماند. لحظه ای نگذشت که دو پسر آقای احسانی آمدند و سلام کردند، احوال پدر و همراهانش را جویا شدند، صادق به دنبال دکتر رفت، دکتر آمد آقای احسانی و پرونده اش را دید، او را مرخّص کرد.

## بازگشت از بیمارستان

پیرمرد با همراهان اتاق خویش خداحافظی گرمی کرد، آنان از جا برخاستند و با لب های پرتبسم او را بدرقه کردند. پیرمرد با همسر و فرزندانش به خانه برگشتند. وقتی به درِ منزل رسیدند سروصدای زیادی را از داخل منزل شنیدند، [باهم دعوا داشتند] پیرمرد به اتاقش آمد برخی از بچه ها به دیدنش نیامدند و برخی از پشت

پنجره ها نگاه می کردند، همسر پیرمرد بیرون رفت و برافروخته بازگشت.

پیرمرد :چه شده است؟ چرا ناراحتی؟

همسرش گفت: باهم دعوا کرده اند.

- دعوا برای چه؟.

خانم با ناراحتی گفت: برای چه؟ برای چه؟ برای لحاف ...! فکر می کنی برای چیست؟!! زنده زنده میراث تقسیم می کنند.

پیرمرد آهی کشید و چشم به هم گذاشت، ناگهان صدای سلام معصومه (دخترکوچک) او را نوازش داد. چشمش را گشود و جواب سلام دخترش را گفت و همدیگر را به آغوش کشیدند، دید چشمان معصومه پر از اشک است!

- دخترم چه شده است؟

پدرجان: چیزی نیست. [سریع از خانه بیرون رفت.]

### آخرین تصمیم عملی حاجی احمد

پیرمرد پس از صرف یک لیوان چای، اقدامات جدّی کرد، در ظرف سه روز، یک پنجم پول و دارایی خود را در راه خدا صرف نمود، سپس وصیّت نامه اش را تجدید کرد، امضای خانم و بچه ها را گرفت و با تمام وجود، آمادهٔ سفر آخرت شد و...

### وصیت نامهٔ همسر حاجی احمد احسانی

پس از بیرون رفتن بچه ها، همسر حاجی احمد گریه کنان گفت: کارهای خود را درست کردی امّا به فکر من نیستی؟ مگر من مسلمان نیستم، مگر من یک عمر در این خانه خدمت نکرده ام؟ مگر من وصیّت نامه لازم ندارم؟.

حاجی احمد: ناراحت نباش من به فکر شما هستم؛ سپس وصیّت نامه ای

مناسب و مشروع برای همسرش نیز نوشت و امضا کردند.

## حاجی احمد احسانی و عکس العمل ها

حاجی احمد احسانی که هنوز زنده است می گوید: پس از این اقدام جدّی که کردم سر و صدای همسایه ها زیاد شد و این کار من مخالفان و موافقان زیادی داشت! برخی به عیادت من می آمدند و کار عملی وصیّت نامه ام را تأییـد می کردند، اما برخی دیگر مرا سـرزنش می کردند!! روزی یکی از همسایه ها آمد و گفت: حاجی احمد! خیلی کار خوبی کردی. بعد از تو ورثه اسـتفاده کنند چه فایده ای دارد به خصوص این دامادها و عروس ها که دشـمن انسان هستند و ... . گفتم: کار من خوب و موافق شریعت بود و حقّ ورثه را تلف نکرده ام، می دانم که از نظر اسلام ضرر زدن به ورثه گناه است. ــ از امیرالمؤمنین(علیه السّلام) روایت شده است: «ستم و حق کشی در وصیّت از گناهان کبیره است.» اما شما ورثه را دشمن می گویید، خیر، آنان دشمن نیستند. من، فرزندان، دامادها و عروس هایم را دوست دارم، فرزندان ما پاره های جگر ما هستند، برخی دامادها و عروس ها نیز همانند فرزند به فکر دنیا و آخرت انسان هستند و نباید آنان را دشمن دانست.

## سرزنش و پاسخ

روزی تعدادی از همسایه ها به عیادت من آمدند و مرا سرزنشکردند و می گفتند: حاجی احمد! چه کار کردی؟ این مقدّس مآبی ها چیست؟ شما عادت دیگران را خراب می کنید!! آخر بچه ها به وصیّت شما عمل می کردند نیازی به این کارها نبود.

حاجی احمد: من کار سلیقه ای نکرده ام اگر برخی از کارها را به دست خود در حال اختیار انجام داده ام، مطابق دستور اسلام است که با مراجعهٔ به روایات

روشن می شود.

## وصیّ خود باشید

مردی از پیامبر اکرم(علیه السّلام) تقاضای وصیّت کرد، آن حضرت فرمود:

«...هَیِّء جِهازَکَ وَ اَصلِح زَادَکَ وَ کُن وَصِیَّ نَفسِکَ...»

«... باروبنه ات را آماده ساز و زاد و توشه ات را درست کن و وصیّ خودت باش، زیرا هیچ چیز جای (ثواب) خدا را نمی گیرد و سخن و وعدهٔ خدای سبحان تغییر ناپذیر است».(1)

عَن عَلیٍ(علیه السّلام): «یابنَ آدَمَ کُن وَصِیَّ نَفسِکَ فِی مَالِکَ... .»

«ای فرزند آدم! وصیّ خود در مال و دارایی خویش باش و با آن، چنان (عمل) کن که ترجیح می دهی پس از تو با آن، آن گونه عمل کنند.»(2)

با توجّه به روایات و داستان هایی که مطرح شد؛ حاجی احمد احسانی سه تصمیم مهم گرفت:

۱. برخی از برنامه های دینی و اجرایی مهمّ خویش را شخصاً در حال اختیار به دست خود انجام داد تا چراغ راهش باشد. [وصی خود شد]

۲. وصیّت نامهٔ نسبتاً جامعی نوشت که وصیّت های تعهّدی،

جبرانی و مالی در آن به تفصیل و روشن در کتاب حاضر بیان شده است.

۳. برای همسرش نیز وصیّت نامه نوشت. [برادر و خواهر! باید از این داستان ها عبرت گرفت.]



---

۱- کنزالعمال، ۴۴۱۶۴

۲- بحارالانوار ج ۷۸ص ۲۷۰ص ۱۱۱

## فصل دوّم: پیش زمینه و اهمیّت وصیّت

### اشاره

فکر اساسی برای آخرت و زندگیِ پس از مرگ کار اصلی است که تمام کار و تلاش ها باید برای آن باشد، با تحلیل از جایگاه آن، اهمّیّت وصیّت را می توان درک کرد، زیرا اجل، کسی را خبر نمی کند و از نظر اسلام مردن بدون وصیّت سخت خطرناک و محروم شدن از اموال و دارایی و بی بهره ماندن از فیوضات ویژهٔ خدای سبحان است. ندانستن وقت مرگ، زرق و برق دنیا و آرزوهای فریبنده نباید انسان را غافل کند.

### اجل

ای اجل! ای واژهٔ بلند آوازه ای که قلب ها را به تپش و ارکان وجود انسان ها را به لرزه می اندازی، ای اجل! هرگاه بیایی لحظه ای جلوتر یا عقب تر نخواهی شد، ای اجل تو که به حضرت سلیمان نبی(علیه السّلام) مهلت ندادی، به دیگران چگونه مهلت خواهی داد؟ ای اجل تو به امر خدا و ناگهان می آیی پس باید ما همواره آماده باشیم ...

«...اَلمَوتُ یأتِی بَغتَتًا...»

خدا در قرآن می فرماید:

«وَ لِکُلِّ اُمَّهٍ أجَلٌ فَإذَا جَآءَ أجَلُهُم لایَستَأخِرُونَ ساعَهً وَّ لایَستَقدِمُونَ»

«برای هر امتی مدّت عمری است و چون اجل شان فرا رسد نه ساعتی (ثانیه و لحظه ای) تأخیر می کنند و نه پیشی می گیرند.»(۱)

عَن أمیرِالمُؤمِنینَ(علیه السّلام): «أَصدَقُ شَیءٍ الأَجَلُ».

- «راست ترین چیز که خلافی ندارد اجل و مرگ است.»(۲)

و عن سید الوصیین علی(علیه السّلام): «أقرَبُ شَیءٍ الأَجَلُ».

- « نزدیک ترین چیز اجل و مرگ است.»(۳)

آری؛ با هر نفس کشیدن انسان به مرگ نزدیک تر می شود.

عَن إمامِ المتّقینَ عَلیٍّ(علیه السّلام): «... وَالهَرَبُ مِنهُ مُوَافَاتُهُ.»

- «...گریز از مرگ، رسیدن به آن است.»(۴) (فرار از مرگ ممکن نیست ولی می شود که تلاش کرد تا خوب از این دنیا رفت).

## اهل دنیا و آخرت

انسان ها چهار دسته اند:

۱- کسانی که نه دنیا دارند و نه آخرت و آنان بدبخت ترین انسان های تاریخ هستند. قرآن کریم می فرماید:



---

۱- قرآن کریم، الأعراف، ۳۴
۲- غررالحکم، ۲۸۴۵
۳- غررالحکم، ۲۹۲۰
۴- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید،ج ۹ص ۱۱۶

«خَسِرَ الدُّنیا وَ الاخِرَه ذلِکَ هُوَ الخُسرانُ المُبِینُ»(1)

«در دنیا و آخرت ضرر و زیان کرده است و این همان خسران و زیان آشکار است » [پناه می بریم به خدا]

۲- کسانی که دنیا دارند (ریاست، قدرت، امکانات، موقعیّت، لذّت، خوش گذرانی و...) اما از آخرت بی بهره اند.

« ...وَ مَن کَانَ یُرِیدُ حَرثَ الدُّنیا نُؤتِهِ مِنهَا وَ مَا لَهُ فِی الاخِرَهِ مِن نَصِیبٍ»(2)

«و کسی که تنها منفعت و ثمرهٔ دنیا را بخواهد کمی از آن به او می دهیم اما در آخرت هیچ بهره ای ندارند.» [پناه می بریم به ذات حق]

۳- کسانی که به دنیا دل نبسته اند و باایمان و حفظ شخصیّت، زندگی کرده اند و برای آخرت شان برترین کارها را انجام داده اند، آنان سعادت مندند. خداوند در قرآن می فرماید:

«مَن کانَ یُرِیدُ حَرثَ الاخِرَهِ نَزِد لَهُ فِی حَرثِهِ»(3)

- «کسی که منفعت آخرت را بخواهد به ثمر و منفعت او افزایش می دهیم».

۴- کسانی که هم دنیای سالم و خوب دارند و هم آخرت نورانی، چون سرسپردهٔ دنیا و اسیر لذّت های آن نشده اند، دوستی و عشق دنیا را در دل ندارند، اما از نعمت های حلال و پاکیزهٔ آن به طور معقول و مشروع استفاده می کنند، دربارهٔ این دسته خدا در قرآن می فرماید:

«وَ مِنهُم مَن یَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِی الدُّنیَا حَسَنَهً وَ فِی الاخِرَهِ

حَسَنَهً وَ قِنَا عَذَابَ



---

۱- قرآن کریم، حج، ۱۱

۲- قرآن کریم، شوری،۲۰

۳- قرآن کریم، شوری، ۲۰

النَّارِ! أُولئِکَ لَهُم نَصِیبٌ مِّمَّا کَتَسَبُوا وَ اللهُ سَرِیعُ الحِسَابِ»(1)

- «و از ایشان کسانی هستند که می گوینـد: «پروردگارا! در دنیا برای ما خوبی و نیکی عطا فرما و در آخرت برای ما خوبی و حسـنه عنایت فرما و ما را از عـذاب آتش حفظ فرما!» آن ها از کار (و دعای) خود نصیب و بهره ای دارند؛ و خداوند سریع الحساب است.»

این آیه ی مبارکه خود یکی از عالی ترین دعاهاست اما دعا باید برخاسته از عقیده، ایمان و نیّت پاک باشد و نباید رفتار، کردار و گفتار ما مخالف با دعا باشد، دعا جایگاه ویژه ای دارد و بحثی جداگانه می خواهد.

## خوبی هر دو جهان در بیان معصوم(علیه السّلام)

عن رسول الله(صلّی الله علیه و آله وسلّم ): «اِعمَل لِدُنیاکَ کَأَنَّکَ تَعِیشُ أبَداً، وَ اِعمَل لِآخِرَتِکَ کَأَنَّکَ تَمُوتُ غَداً.» (2)

- «برای دنیای خود چنان کار کن که گویا همواره در آن می مانی و برای آخرت خود چنان کار کن (عبادت کن) که گویا فردا می میری.»

عَن وَلِیِّ اللهِ عَلِیٍّ(علیه السّلام): «کُن فِی الدُّنیا بِبَدَنِکَ وَ فِی الإخِرَةِ بِقَلبِکَ وَ عَمَلِکَ.»(3)

- « با پیکر خود در دنیا باش و با دل و عمل خود در آخرت»

[دل به دنیا مبند، دل را آن جا بفرست] باید برای آخرت خود بیشتر و بهتر کار کرد و به آن اهمّیّت داد.



1- قرآن کریم، بقره، ۲۰۱ و ۲۰۲
2- تنبیه الخواطر، ج۲ص۲۳۴
3- غررالحکم، ۷۱۶۴

عَنهُ(علیه السّلام): «الدُّنیا أمَدٌ وَّ الإخِرَهُ أبَدٌ.»(۱)

امیرالمؤمنین(علیه السّلام): «دنیا تمام شدنی و آخرت همیشگی است.»

عَنهُ(علیه السّلام): «اِجعَل هَمَّکَ لِمَعَادِکَ تَصلَحُ.»

امام علی(علیه السّلام): «کوشش و همّت خود را مصروف آخرتت گردان، اصلاح می شوی »(۲)

## آرزوهای ناسالم

ای گل های رنگارنگ آرزوها! چه زیبا و خوش نما هستید، و دل و دیده، جسم و جان، روح و روان و تمام دار و ندار مرا

به خود جلب و در برابر چشمانم صف کشیده اید، خانه، قصر، باغ، زندگی، لذّت ها، پول، امکانات، ریاست، شهرت طلبی، زرق و برق دنیا، زن و فرزند و... و صدها آرزوی دنیایی دیگر! مرا دربرگرفته و فریفته اید! می خواهید مرا اسیر کنید؟ (به خدا پناه می برم و از او یاری می طلبم.)

آه چرا اسیرآرزوها شده ام؟ جواب: چون خدا، آخرت، قبر، قیامت، حساب و کتاب، بهشت و جهنم، پُل صراط و عالم پس از مرگ را فراموش کرده ام.

عَن أمیرِالمُؤمِنینَ(علیه السّلام): «اَلاَمَلُ یُنسِی الاَجَلَ.»(۳)

- «آرزو اجل را از یاد انسان می برد.»

عَنهُ(علیه السّلام): «اَلاَمَلُ یُفسِدُ العَمَلَ وَ یُفنِی الاَجَلَ.»(۴)

امام علی(علیه السّلام): «آرزو، کار را تباه و عمر را ضایع می سازد.»



---

۱- همان، ۲۰۵۰
۲- غررالحکم، ۲۴۱۱
۳- غررالحکم، ۸۷۴
۴- همان، ۱۳۵۸

عَنهُ(علیه السّلام): «اَلاَمَلُ حِجابُ الاَجَلِ.»(۱)

امیرالمؤمنین امام علی(علیه السّلام): «آرزو پوشاننده ی أجل (مرگ) است.»

عَنهُ(علیه السّلام): «اَلاَمانِیُّ تُعمِی عُیونَ لبَصَائِرِ.»(۲)

- «آرزوها چشمان بصیرت را کور می کند.»

آرزوهای ناسالم انسان را از خدا،آخرت،کمال لایق انسانی، طرح و برنامۀ دقیق و عالمانه و از راه سعادت غافل می سازد.

## آرزوهای سالم

نباید احساس کرد که تمام آرزوها نارواست بلکه آرزو و امیدِ عاقلانه و خداپسندانه، اساس پایدار زندگی است. آرزو همانند هر چیز دیگر سالم و ناسالم، خوب و بد دارد؛ پس

باید تغییر جهت داد، و آرزوهای سالم و ارزشی را جایگزین آرزوهای ناسالم کرد، مثل آرزوی عشق به خدا و خداپرستی، آرزوی بهشت، سعادت، معنویت، تقوا، سرنوشت عالی،گسترش عدالت در کشور و جهان و... .

عَن رَسولِ للهِ(صلّی الله علیه و آله وسلّم ): «اَلاَمَلُ رَحمَهٌ لِاُمَّتِی،...»(۳)

- پیامبر اکرم(صلّی الله علیه و آله وسلّم ): «آرزو برای امّت من رحمت است. و اگر آرزو نبود هیچ مادری فرزند خود را شیر نمی داد و هیچ باغبانی درختی بر نمی نشاند.»

عَنِ لاِمامِ لسَّجّادِ(علیه السّلام): «...أسأَلُکَ ... مِنَ لاِمَالِ أوفَقَهَا»(۴)

- «از تو مناسب ترین و موفق ترین آرزوها را خواهانم.»



---

۱- همان، ۹۹۷

۲- همان، ۱۳۷۵

۳- بحارالانوار،ج ۷۷ص۱۷۳ح۸

۴- همان،ج ۹۴ص۱۵۵ح۲۲

عَن أمیرِالمُؤمِنینَ(علیه السّلام): «اَلاَمَلُ رَفِیقٌ مُونِسٌ.»(۱)

- «آرزوی مشروع و معقول رفیق و یار همدم است.»

اما رسیدن به آن اهداف عالی و برخی آرزوهای ارزنده جز در پرتو ایمان به خدا و کارهای شایسته، میسّر نیست. برترین آرزو، آرزوی سعادت دنیا و آخرت است. با آن هم آخرت اصل است.

عَن أمیرِالمُؤمِنینَ عَلیٍّ(علیه السّلام): «إجعَل لِآخِرَتِکَ مِن دُنیاکَ نَصِیباً.»(۲)

- «از دنیای خود برای آخرتت بهره ای بردار.»

امیرمؤمنان(علیه السّلام): «هرکه تمام کوشش خود را مصروف آخرتش کند به این آرزو (آخرت) برسد.»(۳)

وصیّت سالم و شرع پسند از شایسته ترین آرزوهاست که در فرهنگ اسلام به آن سفارش شده است.

پیامبران الهی، اولیای خداوند، ائمّه ی معصومین: و... وصیّت نامه های مهم و پرباری داشته اندکه خود دستورالعمل و سیره و سنّت حسنه و الگوآفرین است.

### اهمّیّت وصیّت

اسلام، دینی است کامل و جامع،که در تمام ابعاد زندگی و زندگانی انسان مقرّرات سعادت گستر دارد که بدون شک وصیت کردن از مهم ترین برنامه های آن و حق مسلّم هر مسلمانی است.



---

۱- غررالحکم، ۱۰۴۲

۲- همان، ۶۹۴

۳- غررالحکم،۸۵۱۲

عَن رَّسولِ الله الأعظَمِ(صلّی الله علیه و آله وسلّم ): «اَلوَصِیَّهُ حَقٌّ عَلَی کُلِّ مُسلِمٍ.»(1)

- «وصیّت کردن وظیفه و حقّ هر مسلمانی است.»

عَنهُ(صلّی الله علیه و آله وسلّم ): «اَلمَحرُومُ مَن حُرِمَ الوَصِیَّهَ.»(2)

رسول اعظم(صلّی الله علیه و آله وسلّم ): «محروم [از رحمت خدا] کسی است که از وصیّت کردن محروم شود.»

آدمی که بی وصیت از دنیا برود از تمام مال و دارایی خود

محروم و حتی از رحمت خدای رحمان محروم و بی بهره خواهد بود.

### تأخیر وصیّت

پیامبر خاتم(صلّی الله علیه و آله وسلّم ): «بر هیچ مسلمانی سزاوار نیست که شبی را سپری کند، مگر این که وصیّت نامه اش زیر سرش باشد.» [چه بسا که همان شب مرگ به سراغش بیاید.]

### وصیّت یا خانه سازی آخرت

وصیّت برای سامان دادن زندگی پس از مرگ است. وصیّت یعنی خانه سازی آخرت و سروسامان دادن به قبر و قیامت.

عَنِ الإمامِ عَلیٍّ(علیه السّلام): «مَن عَمَّرَ دَارَ إقَامَتِهِ فَهُوَ العَاقِلُ.»(3)

- امیرمؤمنان(علیه السّلام): «کسی که خانه ی ماندگاری [آخرت] خود را آباد سازد عاقل و خردمند است.»



---

1- وسائل الشیعه،ج 31ص253ح6

2- کنزالعمال،46051

3- غررالحکم، 8298

عَنهُ(علیه السّلام): «... مَن عَمَّرَ آخِرَتَهُ بَلَّغَ آمَالَهُ.»(۱)

- مولای پرهیزگاران امام علی(علیه السّلام): «... و هر که آخرت خود را آباد سازد به آرزوهای خود برسد.»

عَنهُ(علیه السّلام): «غَایَهُ الإخِرَهِ البَقَآءُ.»(۲)

- امیرمؤمنان(علیه السّلام): «پایان آخرت، هستی و بقاست»

## مرگِ بدون وصیّت

متأسفانه برخی بدون وصیّت از دنیا می روند، که آنان یا جاهل اند، یا غافل و یا بی پروا.

عَنِ النَّبِیِّ(صلّی الله علیه و آله وسلّم ): «مَن مَاتَ بِغَیرِ وَصِیَّهٍ مَاتَ میتَهً جَاهِلِیَّهً.»(۳)

- پیامبر اعظم(صلّی الله علیه و آله وسلّم ): «کسی که بدون وصیّت از دنیا برود مرگ او مرگ جاهلیّت است.»

کسی که بدون وصیّت از دنیا برود از اموال و دارایی خود محروم می شود (جز کفن و تجهیز و...).

کسی که بدون وصیّت بمیرد اگر ورثه ی صغیر داشته باشد، برای بازماندگانش و سایر مؤمنان که در ارتباط هستند، مشکلات زیادی دارد. [تصرّف در میراث اگر وارث صغیر داشته باشد، حرام است.]

## وصیّت یک سوّم دارایی

انسان می تواند به اندازه ی معیّنی وصیّت کند مثلاً چند میلیون، و تا یک سوّم



---

۱- همان،۷۴۳۸

۲- همان، ۶۳۵۳

۳- وسائل الشیعه، ب۱/ج۶

مالش را مجاز است، اما بیشتر از یک سوّم را اگر وصیت کند در صورتی درست است که ورثه اجازه دهند.

از پیامبر اکرم(صلّی الله علیه و آله وسلّم ) روایت است:

«خدای متعال یک سوّم اموال شما را در هنگام وفات تان به شما صدقه داده است تا بدین وسیله به اعمال شما بیفزاید.»(۱)

### ضرر زدن به ورثه

از نظر مراجع عظام تقلید، ضرر زدن به ورثه حرام و از گناهان کبیره و بزرگ است، و آن وصیّت هم نافذ نیست و همچنین است محروم کردن وارثین یا برخی از آنان از میراث.

عَن النَّبیِّ(صلّی الله علیه و آله وسلّم ): «الاِضرَارُ فِی الوَصِیَّهِ مِنَ الکَبائِرِ.»(۲)

پیامبر(صلّی الله علیه و آله وسلّم ): «ضرر زدن (به وارث) در وصیّت از گناهان کبیره است.»

عَن لَیثِ بَنی غالبٍ الاِمامِ عَلیٍّ(علیه السّلام): «مَا أُبَالِی أضَرَرتُ بِوُلدِی، أو سَرَقتُهُم ذَلِکَ المالَ.»(۳)

امام علی(علیه السّلام): «از نظر من تفاوتی ندارد که (در وصیّت) فرزندانم را متضرّر کنم یا آن مال را از آنان بدزدم.»

### دزدان میراث، دزدهایی خانگی

گاهی وصیّت نامه، دزدی یا دست کاری می شود، و یا وصیّت وجود ندارد،



---

۱- کنزالعمال، ۴۶۰۶۴

۲- همان، ۴۶۰۶۹

۳- وسائل الشیعه،ج ۱۳ص۳۵۶ح۱

برخی از وارثان خدانشناس دارایی میّت را بالا می کشند [آنان دزدهای خانگی هستند.]

اطاعت از هوای نفس سخت خطرناک است، عده ای حقّ بعضی از وُرّاث را به زور یا صحنه سازی، یا حیله می خورند.گاهی اموال میّت را تنها پسران میّت غارت می کنند. دختران، والدین و همسرِ میّت را محروم می کنند و باید بدانند که دست انتقام خدا در دنیا وآخرت آنان را مجازات خواهد کرد.

## رابطهٔ وصیّت و خودکشی

خودکشی، گناهی بزرگ و حرام است، کسی که خودکشی کند بی ایمان از دنیا می رود و به عذاب خدای سبحان گرفتار می شود، مراجع فرموده اند: کسی که عمداً و به قصد خودکشی زخمی به خود بزند یا سمّی بخورد که به واسطهٔ آن یقین یا گمان به مردن آن پیدا می شود، اگر وصیّت کند که مقداری از مال او را به مصرفی برسانند، صحیح نیست.(۱) [حتی وصیّت او در امور مالیش باطل است.]



---

۱- توضیح المسائل مراجع تقلید کتاب وصیت

## فصل سوّم: تعریف و مسائل مهم وصیّت

### تعریف وصیت

وصیت در لغت عبارت است از مطلق سفارش و دستور قابل اجرا، و در اصطلاح خاص فقهی، وصیّت آن است که انسان سفارش کند که بعد از مرگش چگونه باشند و در امور دین، مذهبی، سیاسی، فرهنگی، خانوادگی، اجتماعی، و... چگونه عمل کنند و نیز برای او چه کارهایی انجام دهند یا مال او را در موارد معیّنی چگونه مصرف کنند.

### شرایط شرعی وصیّت کننده و وصی و...

وصیّت کننده باید عاقل، بالغ، مختار و....

وصی، ناظر و قیّم، باید مسلمان، مختار، عاقل، بالغ، و مورد اطمینان باشند.

### اقسام وصیّت

وصیّت سه قسم است:

۱.وصیّت تعهّدی: مثل وصیّت به امور اعتقادی، اخلاقی، فرهنگی،

سیاسی، اجتماعی و...

۲.وصیّت جبرانی: که برای جبران مافات توصیه می شود: مثل قضای نماز، روزه، وجوهات،حج و...

۳.وصیّت مالی: مصرف کردن پول و دارایی برای حقوق واجبه، (مثل دیه، کفاره، قرض ها و دَین ها، مظالم العباد و...) و برای امور مستحبی و صدقات جاریه همانند وقف، امور خیریه، کمک به مستمندان، ساختن مسجد، حسینیه، مدرسه، کتابخانه، زائرسرا، یتیم خانه، بیمارستان و... .

## زمان وصیّت

وصیت در هر زمانی (در امور واجب) واجب است، اما وقتی که انسان نشانه های مرگ را در خود دید باید فوراً امانت های مردم را به صاحبانش برگرداند، بدهکاری هایش را اعم از شخصی، خمس، سهم، زکات، نذر و... بپردازد [ این است مفهوم آن روایت که وصی خود باشید یعنی خودتان برخی از کارهای خود را قبل از فرا رسیدن زمان مرگ انجام دهید] و دربارهٔ بقیه وصیّت کند و در وصیّت خود شاهد بگیرد و اگر نماز و روزه ی قضا دارد، یا از وجوهات و یا از مردم بدهکار است و یا حج، کفّاره و یا دیه بر او واجب شده باشد باید وصیّت کند [این وصیّت ها واجب است و در امور مستحبی، مستحب است].

## محتوای وصیّت کامل

شایسته است که در وصیّت نامه مسایل اعتقادی، اخلاقی، مالی، حقوقی، سیاسی، داد و ستد، قضای واجبات، صدقات جاریه و... مطرح شود، آن گونه که در وصیّت نامه های پیشوایان دین مان آمده است.

## یکی از الگوهای وصیّت از زبان وحی

از رسول خدا(صلّی الله علیه و آله وسلّم ) سؤال شد: چگونه باید وصیّت نمود؟ آن حضرت فرمود: بگویید:

«أللّهُمَّ فَاطِرَ ٱلسَّمَاوَاتِ وَ ٱلارضِ عالِمَ ٱلغَیبِ وَ ٱلشَّهَادهِ ٱلرَّحمٰنِ ٱلرَّحِیم. أللَّهُمَّ إنِّی أعهَدُ إلَیکَ فِی دَارِ ٱلدُّنیا أنِّی أشهَدُ أن لّا إلَهَ إلّا أنتَ وَحدَکَ لا شَرِیکَ لَکَ وَ أنَّ مُحَمَّداً صَلَّی ٱللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ عَبدُکَ وَ رَسُولُکَ وَ أنَّ ٱلجَنَّهَ حَقٌّ وَ ٱلنَّارَ حَقٌّ وَ أنَّ ٱلبَعثَ حَقٌّ وَ ٱلحِسَابَ حَقٌّ وَ ٱلقَدَرَ وَ ٱلمِیزانَ حَقٌّ وَ أنَّ ٱلقُرآنَ کَمَا أنزَلتَ وَ أنَّکَ أنتَ ٱلحَقُّ ٱلمُبِینُ. جَزَی ٱللهُ مُحَمَّداً صَلَّی ٱللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ خَیرَ ٱلجَزَاءِ وَ حَیَّاً ٱللهُ مُحَمَّداً بِٱلسَّلام. أللَّهُمَّ یَا عُدَّتی عِندَ کُربَتی وَ یَا صَاحِبی عِندَ شِدَّتی وَ یَا وَلِیّی فی نِعمَتی إلَهِی وَ إلَهَ آبَائِی لاتَکِلنی إلیٰ نَفسِی طَرفَهَ عَینٍ فَإنَّکَ إن تَکِلنِی إلیٰ نَفسِی کُنتُ أقرَبَ مِنَ ٱلشَّرِّ وَ أبعَدَ مِنَ ٱلخَیرِ وَ آنِس فِی ٱلقَبرِ وَحشَتِی وَ ٱجعَل لی عَهداً یَومَ ألقَاکَ مَنشُوراً.»

در این وصیّت نامه فرازهای مهمّی از مسائل اعتقادی و دعا و نیایش آمده است.

## برخی از وظایف وصیّت کننده

وصیّت کننده باید اموال منقول و غیرمنقول، بدهکاری و طلبکاری و مشخّصات وارث خود را بنویسد. باید دقیق و روشن وصیت کند، ورثه را محروم نکند و تبعیض قایل نشود. و دو نفرشاهد شرعی امضاء و اثر انگشت نمایند و نیز امضاء وصی، ناظر، قیّم و شاهدها را در وصیّت نامه بگیرد.

### ادامهٔ وصیّت نامهٔ آقای احسانی و همسرش

فرزندان عزیز! ما (پدر و مادرتان) که شما را تربیت کردیم، از جان خود بیشتر دوست تان داریم، اینک عمر ما به پایان رسیده است از کنار شما به سوی خدا و سفر ابدی می رویم، و شما را به خدا می سپاریم؛ امّا عزیزان! شما را وصیّت می کنیم به فشردهٔ آن چه که خدا، پیامبر(صلّی الله علیه و آله وسلّم )و ائمه(علیهم السّلام) فرموده اند. تا شاید برای ما و نیز برای شما سودمند باشد.

### راه حق در وصیّت خدا به انسان

برخی توصیه ها و سفارش های مهم خدای سبحان به بشر را در این بخش آوردم تا شاید برای حق پویان سودمند باشد:

«...وَ أَنَّ هٰذا صِرَاطِی مُستَقِیماً فَاتَّبِعُوهُ وَ لاتَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِکُم عَن سَبِیلِهِ ذٰلِکُم وَصّٰکُم بِهِ لَعَلَّکُم تَتَّقُونَ.»(۱)

(= این است راه راست من پس از آن پیروی کنید و از راه های (شیطان و باطل) که شما را از راه او (خدا) پراکنده می کند، پیروی نکنید این است که خدا شما را به آن سفارش و وصیّت کرده است، باشد که باتقوا و پرهیزگار شوید.»

عزیزان! از راه خدا و راه حق منحرف نشوید، خداشناس و خداپرست باشید. ! پیامبر(صلّی الله علیه و آله وسلّم ) فرمود: «نخستین دانش، خداشناسی است.»

### وجوب دوستی خدا

عزیزانم! خدا را دوست داشته باشید، و بدانیدکه دوست داشتن خداوند واجب است.

ص: ۵۶

---

۱- قرآن کریم، الانعام: ۱۵۳ و دو آیه ی قبل آن

رسول اکرم(صلّی الله علیه و آله وسلّم ) می فرماید: «أَحِبُّوا اللهَ مِن كُلِّ قُلُوبِکَم.»(۱)

- «خدا را با تمام دل و جان دوست داشته باشید.»

البتّه دوستی خدا فرعِ شناخت و ایمان به اوست و هرچه ایمان و معرفت قوی تر باشد، دوستی خدا، پیامبر(صلّی الله علیه و آله وسلّم )، امامان و اهل بیت(علیهم السّلام) قوی تر خواهد بود.

«... وَ الَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبّاً لِلّهِ ...»(۲)

«...آنهایی که ایمان راسخ دارند محبّت و عشق شان به خدا جدّی تر و شدیدتر است ...» خدای مهربان بندگان خود را دوست دارد.

## وجوب دوستی پیامبر و آل(علیهم السّلام)

ارجمندانم! پس از دوستی خدا، دوستی پیامبر و آل طاهرینش: واجب و جزء دین و ایمان ما است که به عنوان مزد رسالت در قرآن مطرح شده است؛ لذا باید آنان را دوست داشته و از جان و فرزندان خود، آنان را عزیزتر بدانید. پس از مرگ، مال، قدرت، نژاد، زن و فرزند و... باعث نجات نخواهند بود. تنها ایمان، تقوی، عمل صالح، و دوستی خدا و پیامبر(صلّی الله علیه و آله وسلّم ) و خاندانش، نجات بخش خواهد بود.

عَن رَسولِ اللهِ(صلّی الله علیه و آله وسلّم ): «لايُؤمِنُ أحَدُكُم حَتّى أكُونَ أحَبَّ إلَيهِ مِن نَفسِهِ وَ أهلِي أحَبَّ إلَيهِ مِن أهلِهِ وَ عِترَتِي أحَبَّ إلَيهِ مِن عِترَتِهِ وَ ذُرِّيَّتِي أحَبَّ إلَيهِ مِن ذُرِّيَّتِهِ.»(۳)

- «هیچ یک از شما ایمان ندارد مگر آن که مرا از خودش بیشتر دوست



---

۱- کنزالعمّال، ۴۴۱۴۷

۲- قرآن کریم، البقره: ۱۶۵

۳- کنزالعمّال، ۹۳۰۷۰

داشته باشد، و خانواده ی مرا از خانواده اش و خاندان مرا از خاندانش و نسل و ذرّیه ی مرا از نسل و ذرّیه ی خود بیشتر دوست داشته باشد.»

این روایت درکتاب های معتبر فریقین آمده است.

لذا به شما وصیّت می کنم که پیامبر(صلّی الله علیه و آله وسلّم ) و امامان: خود را بشناسید و به آنان ایمان داشته باشید، ذرّه ای کینه ی آن ها و نسل شان (امام زاده ها و سادات عظام) را در دل راه ندهید که سخت خطرناک است.

عَنِ الرَّسُولِ(صلّی الله علیه و آله وسلّم ) قال: «مَن لَّم یُحِبَّ عِترَتِی فَهُوَ لِإحدَی ثَلاثٍ: إِمَّا مُنافِقٌ وَ إِمَّا لِزَنیَةٍ وَ إِمَّا امرُئٌ حَمَلَت بِهِ اُمُّهُ فِی غَیرِ طُهرٍ.»(۱)

- رسول الله(صلّی الله علیه و آله وسلّم ): «هرکه خاندان مرا دوست ندارد، یا منافق است، یا زنازاده، و یا نطفه ی حیض!» (نعوذ بالله)

عَن رَسولِ اللهِ(صلّی الله علیه و آله وسلّم ): «مَن مَاتَ وَ هُوَ لایَعرِفُ إِمامَهُ مَاتَ میتَهً جَاهِلِیَّهٍ »(۲)

- «هر که بمیرد و امام خود را نشناسد به مرگ جاهلی مرده است.»

## ادامه ی وصیّت نامه ی حاجی احمد

حاجی احمد احسانی با استفاده از فرصت، مسایل مهمّی را در وصیّت نامه اش آورده است که می خوانید:

## لزوم تقوی پیشگی

عزیزان! به عقاید حقّه که راه پیامبر و ائمه: است پایدار باشید و در احکام دین از مجتهد جامع الشّرایط و اعلم تقلید کنید و تقوا پیشه کنید که بالاترین امتیاز در پیشگاه خدا، تقوا و پرهیزگاری است.



---

۱- الخصال، ۱۱۰/۸۲ و میزان الحکمه، ج۲، ص۹۷۴، ح ۳۲۰۵

۲- بحارالانوار،ج۳۲، ص۷۶، ح ۱

خدای متعال می فرماید:

«... إنَّ أکرَمَکُم عِندَ اللهِ أتقیٰکُم.»

- «گرامی ترین شما در نزد خدا باتقواترین شماست.»

و نیز می فرماید:

«... إنَّما یَتَقَبَّلُ اللهُ مِنَ المُتَّقِینَ.»(۱)

- «خداوند تنها از پرهیزگاران قبول می کند.»

أمیرمؤمنان امام علی(علیه السّلام) می فرماید:

«شما را به تقوای الهی و نظم در کارهای تان سفارش می کنم.»(۲)

## ضرورت اهتمام به نماز

عزیزانم! به نماز و سایر عبادات تان اهمّیّت دهید و نماز شما در هیچ شرایطی ترک نشود که سراپرده ی دین شما خراب خواهد شد؛ نماز را سبک ندانید و کم اهمّیّت جلوه ندهید.

عَنِ الإمامِ الصّادِقِ(علیه السّلام): «إنَّ شَفَاعَتَنا لَن تَنالَ مُستَخِفًّا بِالصَّلاهِ.»(۳)

- امام صادق(علیه السّلام) در حین ارتحالش فرمود: «شفاعت ما [خانواده] به کسی که نماز را سبک بشمارد، نمی رسد.»

- از پیامبراسلام(صلّی الله علیه و آله وسلّم ) نقل شده است:

«هر مرد و زنی که نمازش را سبک بشمارد خدای سبحان او را به پانزده خصلت [بلا] گرفتار می کند.»(۴)



---

۱- قرآن کریم، مائده، ۲۷

۲- نهج البلاغه، نامه ۴۷

۳- مستدرک الوسائل،ج ۳ص۲۵ح۲۹۲۳.

۴- الکافی،ج ۳ص۲۶۹ح۷

بنابراین، نمازهای تان را در اوّل وقت و با شرایط شرعی و در صورت امکان در مسجد و جماعت بخوانید و بعد از نماز به تعقیب نماز به خصوص تسبیح حضرت زهرا(علیهاالسّلام)و دعا و صلوات بر محمّد و آل محمّد(صلّی الله علیه و آله وسلّم ) بپردازید. و فرزندان را نیز از هفت سالگی به نماز وادار کنید زیرا عبادت های تمرینی برای کودکان و نوجوانان بسیار مفید است.

**ضرورت اهتمام به روزه**

عزیزانم! شما و خانواده های تان را وصیّت می کنم به روزهٔ ماه مبارک رمضان.

عَنِ النَّبِیِّ الخاتَمِ(صلّی الله علیه و آله وسلّم ):«اَلصَّومُ جُنَّةٌ مِّنَ النَّار.»(۱)

- «روزه سپری است از آتش جهنم.»

حضرت زهرا(علیهاالسّلام) فرموده است:

«خدا روزه را واجب کرده است، برای استواری اخلاص.»

عَنِ الاِمامِ الصّادِقِ(علیه السّلام): «أفضَلُ الجِهادِ الصَّومُ فی الحَرِّ.»

- «روزه در هوای گرم، بهترین جهاد است.»

بدانید که اگر کسی بدون عذر شرعی یک روز روزه ی خود را نگیرد کارِ حرامی کرده و مُلزَم به گرفتن۶۱ روز، روزه ی قضا و کفّاره می شود.

**لزوم توجّه به وجوهات و...**

فرزندانم! در پرداخت وجوهات شرعیه ( زکات، خمس و...) مسامحه نکنید. [دزد بیت المال نباشید]



---

۱- الکافی، ج ۴ص۶۲

عَنِ الِامامِ الصّادِقِ(علیه السّلام): «لا صَلاهَ لِمَن لا زَکَاهَ لَهُ وَ لا زَکاهَ لِمَن لا وَرَعَ لَهُ.»(۱)

- امام صادق(علیه السّلام): «نماز نیست برای کسی که زکات ندهد و زکات نیست برای کسی که پرهیزگاری ندارد.» [یعنی پذیرفته نخواهد شد]

در روایت آمـده است: «ترک کننـده ی حـج و زکات به دین اسـلام از دنیا نمی رود، بلکه به دین یهود و یا به دین نصاری از دنیا خواهـد رفت.» به حساب سال خود دقیق و جـدّی باشـیدکه حساب قیامت سخت و دشوار است، و هرگاه حـج بر شـما واجب شـد بـدون تأخیر انجام دهیـد و اگر زمینه ی جهاد فراهم شـد در راه دین خدا و ترویج اسـلام و قرآن به جهاد بپردازید و همچنان امر به معروف ونهی از منکر را برای رضای خدای سبحان انجام دهید.

## داشتن تولّی و تبرّی

عزیزانم! تولّی وتبرّی محور اساسی ایمان و تقوا است که انتظار دارم از عمق جان به آن پایبند باشید؛ زیرا اسلام و ولایت بدون تولّی و تبرّی، معنا ندارد.

## اهتمام به حقوق مردم

رعایت حقوق مردم بسیار مهم است.

امام صادق(علیه السّلام) می فرماید: «خداوند به چیزی برتر از ادای حق مؤمن عبادت نشده است.»(۲) مبادا حق مردم و مال مردم را ضایع و یا استفاده ی نامشروع کنید که سخت خطرناک است و عذاب دنیایی و آخرتی دارد، حتی کسی که در راه خدا شهید می شود با اوّلین قطره ی خون او گناهانش آمرزیده



---

۱- مشکاه الانوار،ص ۴۶

۲- کافی،ج۲ص ۱۷۰ح۴

می گردد، جز حقّ مردم. در صدر حقوق مردم، حقوق والدین است.

## لزوم رعایت حقوق والدین

ارجمندانم! کاری نکنیدکه ما ناراض شویم زیرا کسی که عاق والدین باشد، از بوی بهشت هم محروم می شود، اگر عبادت جن و انس را هم داشته باشد جایش در جهنم است. (پناه می بریم به خداوند بزرگ)

و بدانیدکه استادان و والدینِ همسر، همانند والدین حق دارند، و از همه مهم تر والدین معنوی و روحانی مسلمانان، پیامبر اسلام(صلّی الله علیه و آله وسلّم )، أمیرالمؤمنین امام علی(علیه السّلام) و خاندان شان می باشند، آنان ناراضی نشوند و رضایت شان در اطاعت خدا (جلّ جلاله) و

پیامبر و امامان: است.

عزیزان! پس از آنکه من از دنیا رفتم مرا فراموش نکنید که من تنها از شما انتظار دارم. و این حقّی است که بر شما دارم؛

عَنِ الِامامِ الرِّضا(علیه السّلام): «... بِرُّ الوَالِدَینِ وَاجِبٌ ...»(۱)

«نیکی کردن به پدر و مادر واجب است...» [چه در حال حیات و چه پس از ارتحال شان]

## توجّه به تربیت فرزندان

عزیزان! فرزندان خود را خوب تربیت کنید که آنان امانت های خدایند، فرزندان صالح برترین سرمایه و تداوم بخش زندگی انسان اند، و نیز حقوق فراوانی بر والدین دارند، آنان را بنده ی خدا، مطیع پیامبر و ائمه:، آگاه به فرهنگ دینی و مؤدب بار بیاورید. زنان و دختران را باید با حجاب و اُلگوی عفّت و حیا تربیت کنید. فرزندان را از علم و دانش و شرایط زمان آگاه سازید،



---

۱- میزان الحکمه، ج۴ ص۷۰۹۲

با انتخاب نام خوب به آن ها شخصیّت داده از کودکی، محبّت خدا (جلّ جلاله)، پیامبر و اهل بیت(علیهم السّلام) و بهترین آداب اسلامی را به آنان بیاموزید.

عَنِ الرَّسُولِ الاَعظَمِ(صلّی الله علیه و آله وسلّم ): «أکرِمُوا أولادَکُم وَ أحسِنُوا آدَابَکُم.»(1)

– پیامبر اعظم(صلّی الله علیه و آله وسلّم ): «فرزندان تان را احترام کنید و آن ها را نیکو و خوب تربیت کنید.»

عزیزانم! به شما جداً اعلام خطر می کنم که بیشترین بدبختی ها در جامعه از بی حجابی و بی عفّتی است؛ رعایت حجاب اسلامی واجب است. حجاب سپری است برای حفظ عظمت، حیثیت، ارزش دینی، ارزش خانوادگی و شخصیت زن.

## ضرورت حفظ حجاب

به شما دختران، عروس ها و سایر بانوانِ بستگانم وصیّت می کنم که حجاب خود را حفظ کنید، حجاب اسلامی جلوه ای از رحمت خداوند و میراث گران بهای فاطمهٔ زهرا(علیهاالسّلام) است؛ خدا و پیامبر(صلّی الله علیه و آله وسلّم ) به زنان مسلمان دستور داده است، که گوهر گران بهای وجودشان را از نامحرم بپوشانند (چه خودی مثل شوهرِخواهر، برادرِشوهر، پسرِعمو، پسرِدایی و...، و چه بیگانه) و از پوشیدن لباس های نازک و لباس های اندامی و بدن نما و لباس های مخصوص کفّار اجتناب کنید.

پیامبر گرامی اسلام(صلّی الله علیه و آله وسلّم ) فرمود: «در شب معراج زنانی را دیدم که با موهای شان آویزان بودند، از جبرئیل(علیه السّلام) سؤال کردم این ها چه کسانی هستند؟ گفت: این ها کسانی اند که موهای شان را در معرض دید نامحرم قرار

ص: ۶۳

---

۱– همان، ۷۱۰۴

می دادند...»

## پرهیز از نظرکردن به نامحرم

عزیزانم! به شما توصیه می کنم که نظرهای پاک تان را با نگاه کردن به نامحرم آلوده و مسموم نکنید؛ نظر کردن به نامحرم، تیر زهرآگین شیطان است و بسیاری از فسادهای اخلاقی ریشه در نگاه کردن های مسموم دارد. عزیزانم! همسرِ برادر، خواهرِ همسر، همسرِ عمو، همسرِدایی و... نامحرم هستند. به هیچ عنوان به آنان نگاه نکنید که سخت خطرناک است، نگاه کردن شهوانی به زنان غیر مسلمان و عکس نامحرم و به هر چیز حتّی مجسمه حرام و گناه است و نظر کردن به عکس زن های نامحرم اگر بشناسید بدون شهوت نیزحرام و گناه است.(۱)

## نگاه کردن شبکه های ماهواره ای و فیلم

ارجمندانم! از نگاه کردن به برنامه های گمراه کننده، مظاهر فساد در تلویزیون، شبکه های ماهواره ای و فیلم های نامشروع، فسادانگیز، و استکباری جداً بپرهیزید! فرزندان، خانواده و بستگان تان را نیز از این آلودگی های خطرناک برحذر دارید. امروزه ماهواره ها، اینترنت و شبکه های تلویزیون های بیگانه، کمین گاه خطرناک و قوی ترین تهاجم فرهنگی است،که خودداری از آن ها ضروری و واجب است. [از تکنولوژی و امکانات موجود و برنامه های سالم آن می توان به طور مشروع و معقول استفاده کرد و به نفع دنیا وآخرت از آن بهره ورشد.]

ص: ۶۴

---

۱- برگرفته از توضیح المسائلِ مراجع تقلید.

## ضرورت پرهیز از اختلاف

عزیزانم! هشدار می دهم که هرگز اختلاف نکنید زیرا اختلاف مایهٔ بدبختی و نابودی است، صله ی رحم را فراموش نکنید که مایه ی خوشبختی شما و برترین اساس اتّحاد است و بدانید که قطع رحم موجب بدبختی در هر دو عالم خواهد بود، قدر هم دیگر را بدانید، به بزرگان احترام و به کودکان ترحّم کنید،حقوق متقابل را رعایت کنید.

عزیزان قدر یک دیگر بدانید

اجل سنگ است وآدم مثل شیشه

هرگونه نفاق و اختلاف را هر چه زودتر حل و فصل کنید، و برای اصلاح جامعه بکوشید. از خشم و غضب جدا بپرهیزید و در حال غضب تصمیم نگیرید، دوستی و دشمنی شما باید روی معیارهای دینی و برای خدا باشد، آن چه را که برای خود می خواهید برای دیگران بخواهید و آن چه که ناپسند شماست برای دیگران نخواهید.

## پرهیزاز بدگمانی

فرزندان عزیزم! اگرمشکلی پیش آمد،به خدا و دین و مؤمنان سوءظن و بدگمانی نداشته باشید، بدگمانیِ به خدا، گناه بزرگ و در حدّ کفر است، بدگمانی به پیشوایان دین گمراهی است، بدگمانی به مردم مؤمن معصیت است، و نیز سبب نفاق، درگیری، و موجب بر باد رفتن دین و ایمان است.

عَن أميرِالمُؤمِنينَ(عليه السّلام): «لا إيمَانَ مَعَ سُوءِ الظَّنِّ.»(۱)

- «با بدگمانی ایمانی نخواهد بود.»

ص: ۶۵

---

۱- میزان الحکمه،ج ۷ص۳۳۹۶

### پرهیز از غیبت

ارجمندانم! وصیّت می کنم، غیبت نکنید که گناهی است بس بزرگ، اگر می خواهید خود شما آبرو داشته باشید، آبروی مؤمنین را حفظ کنید، قرآن به صراحت اعلام فرموده است کسی که غیبت می کند مثل آن است که گوشت برادر مُردهٔ خود را بخورد، غیبت های حضوری، تلفنی، تلگرافی، کامپیوتری، با نامه و با اشاره و... همه حرام و گناه و معصیت است، آخرت خود را با غیبت و گناه بر باد ندهید.

### پرهیز از تهمت

فرزندانم! از تهمت زدن به مؤمنین که گناهی است بسیار بزرگ، شما را برحذر می دارم. کسی را متّهم نکنید و نیز خود شما در جاهای مشکوک و با افراد مشکوک و دوستان بدنام نباشیدکه متّهم خواهید شد. (نه به کسی تهمت بزنید و نه کاری کنید که خود متّهم شوید)

امیرالمؤمنین(علیه السّلام) فرمود: «از جاهایی که مورد اتّهام است بپرهیزید»

### دوری گزیدن از ریاکاری

فرزندانم! در هیچ عمل خیر و اعمال عبادی، ریا و خودنمایی نکنید که ریا شرک خفی است و ریا عبادت را باطل می کند؛ جای ریاکار در جهنم است! جداً به شما توصیه می کنم که: برای من مجالس ختم قرآن و فاتحهٔ ریایی نگیرید. هرگاه تشییع جنازه کردید، اگر نماز خواندید، حرم مشرف شدید،فاتحه دایرکردید، نذرکردید و... فقط برای خدا باشد، از رقابت های ناسالم بپرهیزید. من منتظر اعمال خدایی و شایستهٔ شما هستم.

مراسم سوم، هفتم و چهلم و نذر و صدقه ها ی ریایی آتش سوزان

ص: ۶۶

خواهدبود! کم عمل کنید اما خالصانه و فقط برای رضای خدا.

### توصیه به صبر و شکیبایی

ارجمندانم! در برابر مصیبت ها صبر کنید و دل های داغدار خود را به یاد خدا آرامش بدهید.

« ألا بِذِکرِ اللهِ تَطمَئِنُّ القُلُوبُ»(۱)

«تنها یاد خدا دلها را آرامش می دهد.»

### به یاد گذشتگان

عزیزان! خدا و مرگ را از یاد نبرید و برای آخرت خود، خوب کار کنید و نیز مرده ها را فراموش نکنید که خیلی محتاج اند، تا زنده های دیگر به یاد شما باشند، آن چه را که برای رضای خدا هدیه به اموات می فرستید فرشته های خدای مهربان آن را با طَبَق های نور به مرده های مؤمن می رسانند، انتظار دارم که مرا فراموش نکنید.



---

۱- قرآن کریم، رعد، ۲۸

## فصل چهارم: آداب محتضر و آداب میت

### اشاره

در این فصل به طور خلاصه برخی آداب محتضر و آداب میت بیان می شود.

### الف – برخی از آداب محتضر

#### اشاره

فشردهٔ آداب محتضر عبارتند از:

واجب است که صورت محتضر مؤمن، اعم از زن، مرد و کودک را به طرف قبله کنند (با پشت بخوابانند وکف پاهایش به طرف قبله باشد).

**«نکتهٔ مهم»**

متأسـفانه در برخی از بیمارستان ها تخت محتضر رو به قبله نیست و این واجب کفائی به عهدهٔ کسانی است که در آن جا مسئولیت دارند و مسلماً در پیشگاه خدای سبحان جواب گو می باشند و نیز هرگاه دکتر احساس کردکه بیمار در حال احتضار است نباید او را اذیّت کند. (مثل نفس مصنوعی، شوک دادن و فشاردادن قفسهٔسینه، آمپول زدن و...)

### پیشنهاد به بیمارستان ها

اگر در هر بیمارستان اتاق مخصوصی را در نظر بگیرند که محتضر را سریعاً به آن منتقل کنند و یکی از بستگانش مجاز باشد تا بالای سر محتضر، حاضر و به انجام وظایف شرعی بپردازد و قرآن بخواند، مشروع و مناسب خواهد بود، و یا در صورت امکان مریض را مرخّص کنند تا مسئولیت مسؤلیت شرعی نداشته باشند.

مستحب است که بعد از غسل دادن، میّت را به حالتی که به او نماز می خوانند، بخوابانند (با پشت بخوابانند که پهلوی راست میت به طرف قبله باشد).

مستحب است که روی سینه و شکم محتضر چیزی نباشد و دکمه های او را باز بگذارند.

مستحب است که در حال احتضار با صدای بلند سوره های مبارکه ی «یس، صافات و احزاب» و همچنان «آیهالکرسی» و آیه ی ۵۴ سوره ی اعراف و سه آیه ی آخر سوره ی بقره را در کنار او بخوانند.(۱)

مستحب است که شهادتین و اقرار به ۱۲ امام و سایر عقاید حقّه را طوری به محتضر تلقین کنند که بفهمد و تا وقت مرگ هم تکرار کنند.

رسول اکرم(صلّی الله علیه و آله وسلّم ): «مردگان تان را کلمه ی (لا إله إلا الله) تلقین کنید...»(۲)

مستحب است که جز صدای قرائت قرآن، دعا، ذکر و صلوات بر پیامبر(صلّی الله علیه و آله وسلّم ) و آلش: سر و صدای دیگری در نزد محتضر نباشد.

کسی را که سخت جان می دهد، مستحب است که به جای نماز خواندنش منتقل کنند.

تنها گذاشتن محتضر، بودن جُنُب و حایض نزد او، زیاد حرف زدن، گریه کردن و تنها گذاشتن زن در نزد میّت مکروه است.



---

۱- نقل به معنااز الفروع، ج۱ص۳۵.

۲- من لایحضره الفقیه،ج ۱ص۳۲.

## دعای مخصوص حالت احتضار

مستحب است که این دعا را طوری برای محتضر تلقین کنندکه بفهمد:

«اَللّٰهُمَّ ٱغفِر لِیَ ٱلکَثِیرَ مِن مَعاصِیکَ وَ ٱقبَل مِنِّی ٱلیَسِیرَ مِن طاعَتِکَ یَا مَن یَقبَلُ ٱلیَسِیرَ وَ یَعفُو عَنِ ٱلکَثِیرِ إقبَل مِنِّی ٱلیَسِیرَ وَ ٱعفُ عَنِّی ٱلکَثِیرَ إنَّکَ أنتَ ٱلعَفُوُّ ٱلغَفُورُ اَللّٰهُمَّ ٱرحَمنِی فَإنَّکَ رَحِیمٌ.»(1)

ترجمه: «خدایا! از نافرمانی های زیادی که کرده ام مرا ببخش و طاعت کمی که انجام داده ام قبول فرما، ای کسی که اندک را می پذیری و از بسیار عفو و گذشت می کنی، اندک مرا قبول فرما و از (گناهان) زیاد من درگذر، همانا تو بخشنده و بخشایش گر هستی، خدایا! به من رحم کن زیرا تو رحم کننده و مهربان هستی.»

## ب– آداب بعد از مرگ

برخی از آداب بعد از مرگ عبارتند از:

بعد از مرگ مستحب است که چشم ها، دهان و چانه ی میّت را ببندند، دست و پای او را دراز کنند و پارچه ای روی او بیندازند.

مستحب است در دفن میّت عجله کنند و مؤمنین را برای تشییع جنازه اطّلاع دهند.

واجب است میّت را سه غسل بدهند (با آب سدر، با آب کافور و با آب خالص) سپس مستحب است او را حنوط کنند، آن گاه بر او نماز خوانده دفن کنند. (این احکام واجب کفایی است، اگر کسی آن را انجام دهد از سایر مؤمنین ساقط می شود) و تمام احکام باید مطابق فتوای مرجع تقلید انجام شود.

مستحب است از مؤمنین حاضر، خواسته شود تا برای میّت دعا کنند و به خوبی و ایمان او شهادت دهند، و نیز برای او نماز رفع وحشت بخوانند.

ص: ۷۱

---

۱– حلیه المتّقین، ۲۴۹.

از مؤمنین خواسته شود تا او را حلال کنند (غیبت، تهمت، توهین، دشنام، حقوق همسایه، حقوق علما واساتید،حقوق خانوادگی، و برخی حقوق مالی و...)

از مال مردم و از اموال خمس نداده و مشکوک برای میّت خرج نکنند و اگر به پولی که برای کفن، دفن و... مصرف می کنند خمس تعلّق گرفته باشد باید خمس آن را فوراً بپردازند.

سفارش شده است که در صورت امکان دو قطعه چوب مباح و تر و تازه به اندازه ی زراع را آماده کنند و با تربت کربلا همان ذکرهایی که در مفاتیح و در صفحه «۱۵» این کتاب آمده است را بنویسند و در بین پارچه پیچانده با میّت در قبرش بگذارند.

مستحب است که میّت را در داخل قبر و پس از پوشاندن قبر به تلقین معروف، تلقین دهند.

مستحب است گونه ی راست میّت را روی خاک گذاشته بندهای کفن را باز کنند. و نیز قدری از تربت مقدّس امام حسین(علیه السّلام) جلو روی او بگذارند.

مستحب است در چیدن سنگ لحد یا گذاشتن آجر محکم کاری کنند، و از قسمت پایین پای میّت رفت وآمدکنند.

مستحب است قبر میّت را چهارگوش و مسطّح کنند (به شکل برآمدگی نباشد)، روی قبر آب بریزند و انگشت ها را داخل خاک قرار داده هفت بار سوره ی قدر را خوانده برای میّت دعا کنند.

باید وصیّ میّت هرچه زودتر به وصیّت های او عمل کند.(۱)



---

۱- نماز، تلقین میّت و نماز وحشت و... در کتاب گلواژه های معارف ذکر شده است. [اگر آن کتاب را با خود داشته باشید، جداً مفید است.]

## فصل پنجم: چکیدهٔ برخی از وصایای مهم

### اشاره

وصیّت و مشتقّات آن در قران کریم۳۲ بار، و در روایات و تاریخ صدها بار مطرح شده است. (منظور وصیت لغوی و اصطلاحی است،یعنی سفارش)

دراین فصل چکیده ی برخی از وصیّت های مهم به منظور معرفی اهمیّت آن، بیان شده است.

### از وصیّت های خدای بزرگ (سفارش های ویژه او)

خدای بزرگ توصیه های مهمّی برای سعادت بشر دارد،که به اشارهٔ دو مورد بسنده می شود:

۱-«... وَ وَصَّینَا الإِنسَانَ بِوَالِدَیهِ إحسَاناً»(۱)

«... و انسان را به نیکی کردن به پدر و مادرش توصیه و سفارش کردیم»

خدا در این آیه انسان را به یک امر مهم که احسان به والدین باشد توصیه کرده است.



---

۱- قرآن کریم سوره احقاف، ۱۵.

۲- ! عَن رَسُولِ اللهِ(صلّی الله علیه و آله وسلّم ): «أتَانِی جَبرَئِیلُ(علیه السّلام) فَقَالَ: یَا مُحَمَّدُ(صلّی الله علیه و آله وسلّم )! إنَّ رَبَّکَ یَقرَئُکَ السَّلامَ وَ یَقُولُ لَکَ:«إنَّ عَلِیَ بنَ أبِی طالِبٍ(علیهماالسّلام) وَصِیُّکَ وَخَلِیفَتُکَ عَلَی أهلِکَ وَ اُمَّتِکَ.»(۱)

- پیامبرخدا(صلّی الله علیه و آله وسلّم ): «جبرئیل(علیه السّلام) نزد من آمد و گفت: ای محمّد(صلّی الله علیه و آله وسلّم )! پروردگارت به تو درود می فرستد و می گوید: «همانا علی بن ابی طالب(علیهماالسّلام) وصی و جانشین تو در میان خانواده و امّت تو می باشد.»

## بخشی از وصیّت های پیامبر اسلام(صلّی الله علیه و آله وسلّم )

پیامبر خاتم(صلّی الله علیه و آله وسلّم ) وصیّت های فراوانی در ابعاد مختلف دارد که به برخی اشاره می شود.

عَن رَسُولِ اللهِ(صلّی الله علیه و آله وسلّم ): «یَا عَلِیُّ! أنتَ وَصِیِّی وَ وَارِثِی قَد أعطَاکَ اللهُ عِلمِی وَ فَهمِی ...»(۲)

- ابوطفیل از عمّار یاسر روایت کرده است: «پیامبرگرامی اسلام(صلّی الله علیه و آله وسلّم ) هنگام رحلتش، علی(علیه السّلام) را فراخواند و مفصّل با او راز گفت، آن گاه فرمود: «ای علی! تو وصی و وارث من هستی خداوند دانش و درک مرابه توعطا فرموده است... .»

عَنِ النَّبِیِّ(صلّی الله علیه و آله وسلّم ) مُشیراً إلَی عَلِیٍّ(علیه السّلام) قال: «إنَّ هَذَا أخِی وَ وَصِیِّی وَ خَلِیفَتِی فِیکُم فَاسمَعُوا لَهُ وَ أطِیعُوا»(۳)

- پیامبر خدا(صلّی الله علیه و آله وسلّم ) به امام علی(علیه السّلام) اشاره کرد و فرمود: «این (علی(علیه السّلام)) برادر



---

۱- امالی شیخ مفید،ص ۱۶۸ح۳
۲- بحارالانوار،ج۳۶ ص۳۲۸ و کفایهالاثر ص۱۶و۱۷
۳- کنزالعمال،ح۳۶۴۱۹

و وصی و جانشین من در میان شماست فرمانش را بشنوید و اطاعت کنید.»

عَنهُ(صلّی الله علیه و آله وسلّم ):«إِنَّ لِکُلِّ نَبِیٍّ وَصِیّاً وَ وَارِثاً وَ إِنَّ عَلِیّاً وَصِیّی وَ وَارِثِی.»(۱)

– پیامبرخدا(صلّی الله علیه و آله وسلّم ): «هر پیامبری وصی و وارثی دارد و علی(علیه السّلام) وصی و وارث من است.»

عَنهُ(صلّی الله علیه و آله وسلّم ):«یاعَلِیُّ ! اُوصِیکَ بِالدُّعاءِ فَإِنَّهُ مَعَ الاِجابَهِ»(۲)

– پیامبر(صلّی الله علیه و آله وسلّم ): «ای علی! تو را توصیه و سفارش می کنم به دعا، زیرا که دعا با اجابت همراه است».

## از وصیّت های امیرمؤمنان امام علی(علیه السّلام)

امام علی(علیه السّلام) وصیّت های مهمّی داشته اند که برخی عبارتند از:

عَن أمیرِالمُؤمِنینَ عَلِیٍّ(علیه السّلام) قالَ: «اُوصِیکَ یا بُنَیَّ بِالصَّلاهِ عِندَ وَقتِها وَ الزَّکاهِ فِی أهلِهَا عِندَ مَحَلِّهَا وَ الصَّمتِ عِندَ الشُّبهَهِ...»(۳)

– أمیرمؤمنان امام علی(علیه السّلام): «فرزندم به تو توصیه و سفارش می کنم که نماز را در وقتش بخوانی و زکات را به موقع به اهلش برسانی و در برابر شبهه خاموش باشی... .»

وصیّت نـامه ی مهم أمیرمؤمنان امام علی(علیه السّلام) است که به عنوان منشور حیات آفرین در سـرلوحه ی زنـدگانی انسان های خـداجو برترین الگو خواهـد بود. به خاطر رعایت اختصار، به ذکر بخش هایی از آن وصیّت نامه ی الهی بسنده شده است.



---

۱- تاریخ دمشق،ج۳ ص۵ ح۱۰۲۱

۲- بحارالانوار،ج ۷۷ص۴ح۱.

۳- وسائل الشیعه، ج۱۸ ص۱۲۳ ح۴۲

## وصیّت نامه ی مهم و مشهور امام علی(علیه السّلام)

«وَ مِن وَّصیَّهٍ لَهُ لِلحَسَنِ وَ الحُسَینِ(علیهماالسّلام).»(۱)

«از وصیّت های آن حضرت (امیرالمؤمنین امام علی(علیه السّلام)) است، به امام حسن و امام حسین(علیهماالسّلام)»

«اُوصِیکُمَا بِتَقوَی اللهِ، وَ أن لَّاتَبغِیَا الدُّنیَا وَ إن بَغَتکُمَا ...»

- «شما را به تقوی و ترس از خدا سفارش می کنم، و این که دنیا را نخواهید (دنبال دنیا نباشید) هر چند دنیا شما را بخواهد و بر آنچه دنیا از شما گرفته است اندوهناک نباشید، همواره به حق و درست سخن بگویید و برای پاداش یافتن (در آخرت) کار و کوشش کنید..»

«کُونَا لِلظَّالِمِ خَصماً وَ لِلمَظلُومِ عَوناً.»

- «همواره دشمن ظالم و ستمگر و یاور مظلوم و ستمدیده باشید. شما و همه ی فرزندان و خاندان خود و هر کسی که نامه ام به او می رسد را به تقوی و ترس از خداوند و نظم و به هم پیوستن کارها و برنامه ها و ایجاد صلح و آشتی در میان تان سفارش می کنم زیرا من از جدّ شما رسول خدا(صلّی الله علیه و آله وسلّم ) شنیدم که فرمود: «اصلاح کردن بین مردم از نماز و روزهٔ یک سال برتر است.»

«اللهَ اللهَ فِی الأَیتامِ... »

- «... از خدا بترسید از خدا بترسید دربارهٔ یتیمان آنان را گاه سیر و گاه گرسنه نگذارید و با بودن شما آنان فاسد و تباه نشوند (از نظر جسمی و روانی، و از نظر مادی و معنوی به آنان رسیدگی نموده حقوق آنان را



---

۱- نهج البلاغه نامه ۴۷ ص۳۹۸ ترجمه محمد دشتی

رعایت کنید.)...»

«... و اللهَ اللهَ فِی جیرانِکُم، فَإنَّهُم وَصِیَّهُ نَبِیِّکُم ...

و اللهَ اللهَ فِی القرآنِ لایَسبِقُکُم بِالعَمَلِ بِه غَیرُکُم،

و اللهَ اللهَ فِی الصَّلاهِ فَإنَّها عَمودُ دینِکُم،

و اللهَ اللهَ فی بَیتِ رَبِّکُم لَاتُخَلُّوهُ مَا بَقیتُم...،

و اللهَ اللهَ فِی الجهادِ بِأموالِکُم وَ أنفُسِکُم وَ ألسِنَتِکُم فی

سَبیلِ اللهِ وَ عَلَیکُم بِالتَّواصُلِ ...

لَاتَترُکوا الاَمرَ بِالمَعروفِ وَ النَّهیَ عَنِ المُنکَرِ فَیُوَلّی عَلَیکُم أشرارُکُم ثُمَّ تَدعُونَ فَلایُستَجابُ لَکُم، ثُمَّ قالَ(علیه السّلام): ... .»

- «... از خدا بترسید از خدابترسید دربارۀ همسایگان که آن سفارش پیامبرتان است که همواره دربارۀ ایشان سفارش می فرمودند تا حدّی که گمان کردیم برای آنان میراث قرار دهد. خدا را، خدا را، دربارۀ قرآن که دیگران با عمل به آن بر شما پیشی نگیرند. خدا را، خدا را، دربارۀنمازکه ستون دین شماست. خدارا، خدارا، دربارۀ خانۀ پروردگارتان (کعبۀ مکرّمه) تا زنده هستید، آن را خالی نگذاریدکه اگر آن را رها کنید (از کیفر الهی) مهلت داده نمی شوید (به عذاب خدا گرفتار می شوید) خدا را، خدا را، دربارۀ جهاد، با مال ها، جان ها و زبان های تان در راه خدا، و بر شما باد به همبستگی و دوستی و پشتیبانی هم دیگر، و بپرهیزید از جدایی و پشت کردن به یک دیگر، ...امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید (اگر امر به معروف و نهی از منکر را رها کردید) بدترین و فاسدترین شما بر شما مسلّط می شوند، آن گاه هر چه دعاکنید دعای شما مستجاب نخواهد شد ... »

ص: ۷۷

## وصیّت نامه ی مهمّ حضرت فاطمه زهرا(علیهاالسّلام)

حضرت زهرا(علیهاالسّلام) چندین وصیّت پربارِ گفتاری و نوشتاری داشته اند؛ یک وصیّت نامه از آن حضرت، به عنوان سند شرعی و دستورالعمل مهم در این جا ذکر شد. [این وصیت نامه ای است با دست خط خود آن حضرت که در زیر متّکایش قرار داشته است تا به آن عمل شود.]

(وَ مِن وَصایا سَیِّدتِنا فاطمهَ ٱلزَّهراءِ لِأمیرِ ٱلمُؤمِنینَ(علیهماالسّلام))

بِسْمِ ٱللهِ ٱلرَّحْمنِ ٱلرَّحیمِ

هذا مَا أوصَت بِهِ فَاطِمَهُ(علیهاالسّلام) بِنتُ رَسُولِ ٱللهِ(صلّی الله علیه و آله وسلّم )؛ أوصَت وَ هِیَ تَشهَدُ أن لّا إلهَ إلَّا ٱللهُ وَ أنَّ مُحمَّداً(صلّی الله علیه و آله وسلّم ) عَبدُهُ وَ رَسولُهُ وَ أنَّ ٱلجَنَّهَ حَقٌّ وَ ٱلنَّارَ حَقٌّ وَ أنَّ ٱلسَّاعَهَ آتِیَهٌ لارَیبَ فِیهَا وَ أنَّ ٱللهَ یَبعَثُ مَن فِی ٱلقُبُورِ.«یاعَلِیُّ ! أنَا فاطِمَهُ بِنتُ مُحَمَّدٍ(صلّی الله علیه و آله وسلّم ) زَوَّجَنِیَ ٱللهُ مِنکَ لِأکُونَ لَکَ فِی ٱلدُّنیا وَ ٱلإخِرَهِ أنتَ أولَی بِی مِن غَیرِی؛ حَنِّطنِی وَ غَسِّلنِی وَ کَفِّنِّی بِٱللَّیلِ وَ صَلِّ عَلَیَّ وَ دَفِّنِّی بِٱللَّیلِ وَ لاتُعلِم أحَداً وَ أستَودِعُکَ ٱللهَ وَ أقرَءُ عَلَی وُلدِیَ ٱلسَّلامَ إلی یَومِ ٱلقِیَامَهِ.»(۱)

### «ترجمه وصیّت نامه»

به نام خداوند بخشایندهٔ بخشایشگر

- «این وصیّت نامه ی فاطمه(علیهاالسّلام) دختر رسول خدا(صلّی الله علیه و آله وسلّم ) است در حالی وصیّت می کند که شهادت می دهد: خدایی جز خدای یگانه نیست و محمّد(صلّی الله علیه و آله وسلّم ) بنده و فرستاده ی اوست و بهشت حقّ است و آتش جهنم حقّ است و روز قیامت فرا خواهد رسید و شک در آن نیست و خداوند همه ی مردگان را

ص: ۷۸

---

۱- بحار: ج۴۳ ص۲۱۴، وسائل الشیعه: ج۱۳ ص۳۱۱ و دلائل الإمامه ص۴۲

زنـده و وارد محشـر می کنـد، ای علی! من فاطمه دختر محمد(صلّی الله علیه و آله وسلّم ) هستم. خدا مرا به ازدواج تو درآورد تا در دنیا و آخرت برای تو باشم. تو از دیگران بر من سزاوارتری؛ حنوط، غسل و کفن کردنم را در شب انجام بده و بر من نماز بگزار و شب مرا دفن کن و هیچ کس را اطّلاع نده. تو را به خدا می سپارم و بر فرزندانم تا قیامت و رستاخیز سلام و درود می فرستم.»

## از وصیّت های امام حسن مجتبی(علیه السّلام)

جناده بن ابی امیـد می گویـد: من خـدمت امام حسن مجتبی(علیه السّلام) در موقع شـهادتش مشـرّف شـدم ... عرض کردم: ای فرزنـد رسول خـدا! به من پنـد و اندرز بده، فرمود: «آری خود را برای سـفر [آخرت] آماده کن و پیش از آن که اجلت برسد توشه ی خود را به دست آر و بدان که تو دنیا را می جویی و مرگ تو را ...»(۱)

و از وصایای امام حسن به امام حسین(علیهماالسّلام) این بود که فرمود:

«مرا در تابوتم بگذار و تا قبر جدّم رسول خدا(صلّی الله علیه و آله وسلّم ) ببر برای تجدید پیمان، سپس به قبر جدّه ام فاطمه بنت اسد(علیهاالسّلام) برگردان و در آن جا دفن کن و تو را به رسول خدا(صلّی الله علیه و آله وسلّم ) سوگند می دهم که در تشییع جنازهٔ من خونی حتی به اندازه ی خونِ حجامت نریزد.»(۲)

## از وصیّت های امام حسین(علیه السّلام)

امام حسین(علیه السّلام) نیز وصیّت های مهمّی برای خاندان خویش و مؤمنان داشته اندکه به برخی اشاره می شود.

ص: ۷۹

---

۱- فرهنگ سخنان امام حسن(علیه السّلام) ترجمه علی مؤیدی: ص ۱۸۸

۲- همان: ص۱۸۹

یکی از وصایای مهمّ آن حضرت در روز عاشورا و در دوّمین وداع با اهلبیتش این بود:

عَن سَیِّدِ الشُّهداءِ الحُسَینِ(علیه السّلام): «إِستَعِدُّوا لِلبَلاءِ وَ اعلَمُوا أَنَّ اللّهَ حَامِیکُم وَ حَافِظُکُم وَ سَیُنَجِّیکُم مِن شَرِّ الاَعدَاءِ ...»(۱)

- آن حضرت برای دوّمین بار که با اهل و عیالش وداع می فرمود آنان را به صبر، شکیبایی و پایداری توصیه کرد و فرمود:

«برای روزهای سخت و غم بار آماده باشید و بدانید که خداوند پشتیبان و حافظ شماست و در آینده ی نزدیک، شما را از شر دشمنان نجات خواهد داد... »

عَنِ الاِمامِ أَبی عَبدِاللّهِ الحُسَینِ(علیه السّلام): « یَا بُنَیَّ إِیَّاکَ وَ ظُلمَ مَن لَّایَجِدُ عَلَیکَ ناصِراً إلَّا اللّه»(۲)

- امام محمّد باقر(علیه السّلام) می فرماید: که پدرم امام سجاد(علیه السّلام) فرمود: (از جمله وصایای پدرم امام حسین(علیه السّلام) این بود):

«فرزندم بپرهیز از ستم کردن بر کسی که مدافع و یار و یاوری جز خدا ندارد.»

### از وصایای امام زین العابدین(علیه السّلام)

امام سجاد(علیه السّلام) وصیت های مهمّی دارد. ! از جمله در بخشی از وصیت هایش می فرماید:

«خداوند را به سبب قدرتی که بر تو دارد دوست بدار و به خاطر نزدیک



---

۱- مقتل مقرم: ص۳۳۷ به نقل از جلاءالعیون

۲- سخنان امام حسین(علیه السّلام)، نجمی: ص۲۸۴ و اصول کافی ج۲ ص۳۳۱ ح۵

بودنش به تو از او شرم کن و هرگز با کسی دشمنی نکن ...، و به هیچ دوستی، سبک سری و ستم روا مدار...، هر کس از تو پوزش خواست عذر او را بپذیر هرچند بدانی که دروغ می گوید. باید بخشش و گذشت از مردم وِرد زبانت باشد.»(۱)

## از وصیّت های امام محمّد باقر(علیه السّلام)

امام محمّدباقر(علیه السّلام) در یکی از وصایای پربارش برای جابر جعفی فرمود:

«تو را به پنج چیز وصیّت و سفارش می کنم؛ اگر به تو ستم کردند، تو ستم مکن، اگر به تو خیانت کردند تو خیانت مکن، اگر تو را تکذیب کردند عصبانی نشو، اگر مدح و ستایشت کردند خوشحال مشو، اگر مذمّت کردند دلگیر و ناراحت نشو، بلکه در آن چه که درباره ی تو گفته شده است فکر کن و بیندیش...»(۲)

## از وصیّت های امام صادق(علیه السّلام)

صادق آل محمّد(علیه السّلام) وصایای عمده ای در همه ی ابعاد زندگی دارند که به بیان یک مورد بسنده می شود:

«أفضَلُ الوَصَایَا وَ ألزَمُها أن لَّاتَنسَیَ رَبَّکَ ...»(۳)

– امام جعفر صادق(علیه السّلام): «برترین و لازم ترین و ضروری ترین وصیّت ها و سفارش ها این است که پروردگارت را فراموش نکنی و همواره به



---

۱- ترجمه میزان الحکمه: ج۱۴ ص۶۸۲۰
۲- تحف العقول: ص ۲۸۴
۳- بحارالانوار: ج ۷۸ ص۲۰۰ ح ۲۷

یادش باشی و نافرمانی اش ننمایی و نشسته و ایستاده بندگیش کنی.»

## از وصیّت های امام کاظم(علیه السّلام)

امام موسی بن جعفر(علیه السّلام) در بخشی از وصایایی که به هشام بن حکم داشت، فرمود:

«یَا هِشَام لَیسَ مِنَّا مَن لَّم یُحَاسِب نَفسَهُ فِی کُلِّ یَومٍ...»(۱)

- «ای هشام! آن که هر روز به حساب خود رسیدگی نکند (از خود حساب نگیرد) از ما نیست، تا اگر نیکی کرده است به آن بیفزاید و اگر بدی کرده است، از خدا آمرزش بخواهد.»

## از وصایای امام رضا(علیه السّلام)

امام هشتم(علیه السّلام) در یکی از وصایای خود می فرمایند:

«صِل رَحِمَکَ وَ لَو بِشَربَتٍ مِّن مَّاءٍ...»(۲)

- «با خویشاوند خود محبّت و پیوند کن اگرچه به جرعه ی آبی باشد و بهترین صله ی رحم خودداری از آزار اوست. خداوند(جلّ جلاله) فرمود: «صدقه ها [انفاق و کمک] خود را با منّت گذاشتن و اذیت و آزار باطل نکنید.».»



۱- تحف العقول، ترجمه احمد جنتی،ص ۶۳۰

۲- همان، ص ۷۱۰

### از وصیّت های امام جواد(علیه السّلام)

شخصی از امام جواد(علیه السّلام) خواست تا او را توصیه کند، حضرت فرمود: «می پذیری؟» عرض کرد: آری، فرمود:

«صبر و شکیبایی را بالش خود ساز و فقر را در آغوش بگیر، شربت ها و لذّت ها را دور انداز و با هوا و هوس مخالفت کن و بدان که هرگز از چشم خدا پنهان نیستی [هر جا باشی در محضرخدایی و تو را می بیند] پس مواظب باش که چگونه و در چه حالی؟»

### از وصایای امام هادی(علیه السّلام)

حسن ابن مسعود می گوید:

«محضر ابوالحسن علی بن محمّد (امام هادی)(علیهماالسّلام) شرفیاب شدم آن روز انگشتم ضربه دیده بود؛ گفتم: خدا شرّ تو روز را از من کوتاه کند چه روز شومی هستی؟ حضرت فرمود: «تو هم این حرف ها را میزنی؟ با اینکه با ما رفت و آمد داری، گناه خود را به گردن بی گناهی می اندازی؟ [روزها و ساعت ها گناهی ندارند] حسن می گوید: من متوجّه شدم گفتم مولای من! استغفر الله... حضرت در ضمن فرمایشات خود گفت: حسن! مگر نمی دانی که ثواب و عقاب و مکافات عمل در دنیا و آخرت به دست خداست؟ گفتم: بلی مولای من. فرمود: دیگر تکرار نکن و برای روزها نقش در حکم خدا قائل مشو، گفتم: «چشم مولای من»(1)



---

۱- تحف العقول، ص ۷۷۰

### از وصایای امام حسن عسکری(علیه السّلام)

امام حسن عسکری(علیه السّلام) در یکی از وصیّت نامه هایش برای شیعیانش این گونه فرموده است:

عَنِ الِامَامِ العَسکَرِیِّ(علیه السّلام) لِشِیعَتِهِ: «اُوصِیکمُ بِتَقوَی اللهِ وَ الوَرَعِ فِی دِینِکُم وَ الِاجتِهَادِ لِلّهِ وَ صِدقِ الحَدِیثِ وَ أداءِ الاَمَانَهِ إلی مَن...»

– امام حسن عسکری(علیه السّلام) برای شیعیانش: «شما را توصیه و سفارش می کنم به تقوای الهی و پارسایی در دین تان و سعی و کوشش برای خدا و راستگویی و بازگرداندن امانت به کسی که به شما امانتی سپرده است خوب باشد یا بد و طول دادن سجده و خوش همسایگی؛ زیرا محمّد(علیه السّلام) برای این ها آمده است،...»

«... إتَّقُوا اللهَ وَ کُونُوا زَیناً وَ لاتَکُونُوا شَیناً...»(۱)

در ادامه می فرماید: «از خدا بترسید و مایه ی آراستگی و آبرومندی (ما) باشید نه باعث عیب و ننگ (ما) ...»

### از وصیّت های امام زمان (ارواح العالمین له الفداء)

ولی عصر (عجّل الله تعالی فرجه الشریف) در راستای رهبری جامعه در زمان غیبتش این گونه توصیه و سفارش می فرماید:

قَالَ الِامَامُ المَهدِی(علیه السّلام): «أمَّا الحَوَادِثُ الوَاقِعَهُ فَارجِعُوا فِیهَا إلی رُوَاتِ حَدِیثِنَا فَإِنَّهُم حُجَّتِی عَلَیکُم وَ أنَا حُجَّهُ اللهِ».(۲)

– امام مهدی(علیه السّلام): «در زمینه ی رخدادهایی که به وقوع می پیوندد به راویان حدیث ما مراجعه کنید؛ زیرا آنان حجّت من بر شما هستند و من حجّت



---

۱- تحف العقول، ص ۷۸۲ و ترجمه ی میزان الحکمه، ج۱۴ ص۶۸۳۴

۲- الاحتجاج، ج۲ ص ۴۷۰ ح۳۴۴

خدایم».

## از وصیّت نامه ی الهی و سیاسی امام خمینی(قدسّ سرّه)

در طول تاریخ، اندیشمندان و متفکّران مسلمان وصیّت نامه های ارزشمندی به یادگار گذاشته اند که از مهم ترین آن ها وصیّت نامه ی فقیه خردمند حضرت امام خمینی(قدسّ سرّه) است که با الهام از قرآن و فرهنگ پیامبر اکرم(صلّی الله علیه و آله وسلّم ) و اهل بیت: وصیت نامه ی جامعی از اصول، فروع، سیاست اسلامی و... ارائه داده اند که خود منشور بزرگی است برای نظام اسلامی و مسلمانان جهان فراتر از مرزهای جغرافیایی؛ در این جا به گوشه های آن اشاره می شود:

«و آنچه لازم است تذکّر دهم آن است که وصیّت سیاسی- الهی این جانب اختصاص به ملّت عظیم الشأن ایران ندارد بلکه توصیه به جمیع ملل اسلامی و مظلومان جهان از هر ملّت و مذهب می باشد.. » (۱)

## بیداری- استقلال

و نیز فرموده اند:

«باید هوشیار و بیدار و مراقب باشید که سیاست بازان پیوسته به غرب و شرق با وسوسه های شیطانی شما را به سوی این چپاول گران بین المللی نکشند و با اراده ی مصمم و فعّالیّت و پشتکار خود، به رفع وابستگی ها قیام کنید... .» (۲)

و در بخش دیگر می فرمایند:

«... و وصیّت من به ملّت های کشورهای اسلامی این است که انتظار

ص: ۸۵

---

۱- وصیت نامه ی سیاسی الهی امام خمینی (ره)، قطع جیبی ص ۱۲

۲- همان ص۳۹

نداشته باشید که از خارج کسی به شما در رسیدن به هدف، که آن اسلام و پیاده کردن احکام اسلام است کمک کند؛ خود باید به این امر حیاتی که آزادی و استقلال را تحقّق می بخشد قیام کنید ...»(۱)

و در بخش دیگرآمده است:

«و وصیّت من به همه، آن است که با یاد خدای متعال به سوی خودشناسی و خودکفایی و استقلال، با همه ی ابعادش به پیش، و بی تردید دست خدا با شما است... .»(۲)

## قلب مطمئن

آن رهبر فرزانه که به حق تا پای جان مبارزه کرد و نظام مقدّسی را به وجود آورد و روح بلندش با یاد خدا آرام گرفت که می فرماید:

«با دلی آرام و قلبی مطمئن و روحی شاد و ضمیری امیدوار به فضل خدا از خدمت خواهران و برادران مرخّص و به سوی جایگاه ابدی سفر می کنم و به دعای خیر شما احتیاج مبرم دارم و از خدای رحمان و رحیم می خواهم که عذر مرا درکوتاهی خدمت و قصور و تقصیر بپذیرد.»(۳)



---

۱- وصیت نامه ی سیاسی الهی امام خمینی (ره)، قطع جیبی ص ۵۶

۲- وصیت نامه ی سیاسی الهی امام خمینی (ره)،قطع جیبی ص۹۰

۳- وصیت نامه ی سیاسی الهی امام خمینی (ره) قطع جیبی، ص ۹۱

## فصل ششم: پیشنهادهای ویژه و مهم

متأسفانه در برنامه های اجتماعی، آداب و

رسوم، عادات و سنّت های مردمی، نابسامانی ها و بدعت هایی وجود دارد که به عنوان وظیفه جلو آن ها را باید گرفت.

بر علما، بزرگان، خردمندان، دانشـمندان و دلسوزان جامعه است که مردم را کنترل کنند و فرهنگ های اسـلامی و سالم را جایگزین فرهنگ های غلط و نامشـروع بسازند. در این فصل اشاره های کوتاهی به عنوان طرح و پیشنهاد ارائه می شود تا شاید برای مردم مؤمن و متدیّن به ویژه نسل های آینده مفید و سودمند باشد. برخی از آن پیشنهادها عبارتنداز:

۱- زیارت اهل قبور که بر مردها و زن ها مستحب و دارای اجر و ثواب فراوان است را نباید با روشن کردن شـمع، پارچه بستن، خاک برداشتن و... به خرافات آلوده کرد و جداً از این گونه بدعت ها باید جلوگیری کرد.

۲- در کلیه برنامه ها مطابق شریعت اسلام و فتوای مراجع عالیقدر تقلید باید عمل کرد.

ص: ۸۷

۳- در تمام برنامه ها حجاب اسلامی و شئونات دینی باید رعایت شود. زن های بی حجاب و آرایش کرده در مراسم تشییع و سوگواری که مردهای نامحرم هستند و آنان را می بینند نباید شرکت کنند.

۴- در تشییع جنازه ها شایسته است که خانم ها شرکت نکنند. علما فرموده اند که تشییع و حمل جنازه بر زن ها سنت نیست.(۱)

و نیز فرموده اند: بهتر است زنان در تشییع جنازه، ولو میت زن باشد، شرکت نکنند.(۲)

و در روز هفتمِ میت یا هر وقت دیگر، خانم ها اگر خواستند با رعایت مقررات اسلامی به زیارت اهل قبور شرکت کنند تا از ثواب زیارت بهره مند شوند. از دیدگاه فقهای شیعه زیارت قبور مؤمنین مطلقاً برای زن ها و مردها مستحب است.(۳)

۵- اگر مراسم چهلم میّت فقط زنانه یا با نذر مختصر دایر شود، کافی است. زیرا برخی مؤمنان فقیر اند و توان مصارف بالا را ندارند، و نباید زیر بار قرض بروند لذا می شود فشرده انجام داد.

۶- در تعزیه ها و سایر مراسم از مصارف سنگین و متنوع و

اسراف و تبذیر خودداری شود؛ زیرا اسراف و تبذیر حرام و گناه است.

در توضیح المسائل آمده است: مناسب است مراسم عزاداری و مجلس فاتحه ساده برگزار شود و لازم است از اسراف و کارهای خلاف شرع در آن پرهیز گردد.(۴)

ص: ۸۸

---

۱- مفاتیح الجنان شیخ عباس قمی، ص۱۰۸۱ آداب اموات.
۲- برگرفته از العروه الوثقی، ج۱ص۴۱۹ و تحریرالوسیله،ج ۱ص۷۸.
۳- الفقه علی المذاهب اهل البیت ع،ج۱صص۶۹۴-۶۹۸.
۴- توضیح المسائل جامع، ج۱ ص۲۴۸ م۷۸۰.

۷– از ریاکاری، خود نمایی، چشم و هم چشمی ها که بدون تردید حرام و گناه است خودداری باید کرد.

۸– بعد از تشییع جنازه یا بعد از تعزیه،یک فاتحه خوانده وزن ومرد از آنجا مرخص شوند و نباید به درِ منزل مصیبت دیدگان بروند که جدا سد معبر و باعث اذیت همسایگان می شوند، اگر عده محدودی از بستگان نزدیک بروند شاید مشکلی نباشد.

۹– در مراسمی که صرف غذاست، نباید افراد بدون دعوت شرکت کنند و نیز آوردن فرزندان بدون دعوت حرام و گناه است. (البته در برخی موارد راننده و کودکی که نمی تواند تنها در خانه بماند شامل این امر نخواهد بود).

۱۰– صاحبان مجلس در نذر و مراسم، از فقرا و نیازمندان بیشتر دعوت کنند تا ثواب بیشتری به دست آورند، و نیز از غذاهایی که اضافه می ماند به خانواده های فقیر بفرستند.

۱۱– کسانی که کمک نقدی به قاریان قرآن، سخنران جلسه و مداح می کنند، بهتر است آن را نذر نیت کنند.

۱۲– شرکت کردن در مراسم مذهبی باید برای رضای خدا باشد نه رقابتی و نه معامله ای؛ برخی می گویند: من در فاتحه و مجلس فلانی نمی روم چون او در مجلس ما نیامد؛ این روش درست نیست، این برنامه ها باید خدایی باشد نه معامله و قرض و رقابت و چشم و هم چشمی.

۱۳– بهتر است که از نوشتن پارچه ها، بنرها و اعلامیه های همدردی که جز ریاکاری، خودنمایی و مصرف های بی جا چیز دیگری نیست، خودداری شود مگر دربارهٔ شخصیت های بزرگ و مهم و موارد استثنایی.

۱۴– از نظر فقها نوشتن نام میت بر قبر یا سنگ و نصب آن بر قبر مستحب

ص: ۸۹

است.(۱)و نبایـد زیـاده روی کرد، نوشـتن آیـات قرآن و اسـماء متبرکه در سـنگ قبر، خوب است در صورتی که زیر پـا نباشـد و توهین نشود، اما اگر زیرپا می شود یا اگر مورد اهانت قرار می گیرد جـداً خودداری شود.

۱۵- آوردن تاج های گل در مراسم فاتحه و سوگواری در سـنت و سیرهٔ نبوی وجود ندارد و جز اسراف، ریا و خودنمایی چیزی دیگری نیست (گاهی پول های زیادی در این گونه موارد ریخت وپاش می شودکه واقعاً گناه است، اگرآن پول ها را مظالم العباد یا صدقه بدهند یا قرآن و کتاب خریده وقف کنند ثواب های فراوانی برای میت و بازماندگانش خواهد داشت).

از پیامبر خدا (صلّی الله علیه و آله وسلّم ) روایت شده است: «زمین قیامت (یک پارچه) آتش است جز سایهٔ مؤمن؛ زیرا صدقه اش بر او سایه می افکند».(۲)

۱۶- در مجموع منـاسب است که از تعـدّد برنامه ها و تشـریفات بی مورد پرهیز شود و مهمانان و مراجعین محترم مزاحمت مصـیبت دیـدگان را فراهم نکننـد. (در هر برنامه ای رعایت حال فقرا و محرومین ضروری است).

«عده ای از علما و مؤمنین عزیز مربوط به حسینیهٔ حضرت ابی الفضل العباس(ع) در این باره تصامیمی اتّخاذ کرده اند که مناسب و مفید است»

۱۷- برای ورثه میت واجب و لازم است که هر چه زودتر به عملی کردن وصیت های میت به خصوص امور واجب بپردازند، بی توجهی و بی اعتنایی گناه است.

۱۸- مراسم تعزیه، هفتم، چهلم، سالگرد خوب است و ثواب فراوان دارد اما مستحب است؛ اگر میت بی وصیت یا با وصیت از دنیا رفته باشد و ورثه صغیر



---

۱- العروه الوثقی، ج۱ صص ۴۴۰-۴۴۷.

۲- الکافی :۴/۳/۶.

یا مجنون داشته باشد از مال میراث مشترک، اگر این گونه برنامه ها را انجام دهند حرام و خلاف شرع است، باید اول ترکه صورت بگیرد تا مال صغیر و مجنون از بین نرود، سپس ورثهٔ کبیر از سهم خودشان می توانند مراسم را دایر کنند، و در مواردی که نمی دانند و مشکل دارند، باید برای حل مشکل به مرجع تقلید مراجعه کنند.

۱۹- مستحبات ثواب زیادی دارد اما آن چه که میت از حق الله و حق الناس بدهکار است، مثل نمازقضا، روزه قضا، حج، وجوهات، مظالم العباد، و بدهکاری های مردم و... واجب است آن ها هرچه زودتر توسط وصی و ورثه برای رضای خدا انجام شود.

۲۰- از نظر اسلام و مراجع عظام، تغییر دادن وصیت میت، تقلب، مخفی کردن وصیت نامه، محروم ساختن برخی از وارثین میت از میراث و... حرام، موجب ضمان و سبب مجازات دنیایی و آخرتی می باشد.

متأسفانه برخی از ورّاث با مخفی کاری یا حیله و نیرنگ و صحنه سازی، یا با زور سهم میراث برخی از وارثین ضعیف و ناتوان و یا کودکان و زنان را تصرف نامشروع می کنند و به تاراج می برند که سخت خطرناک است. (نعوذ بالله تعالی منه) برخی دنیا پرستان حق میراث پدر، مادر، خواهران و... را نمی دهند و بی پروا پارچه های آتش را می خورند.

شایسته و مناسب است که در هفتم اشاره کوتاهی به مسائل و احکام ارث از نظر فقهای شیعه داشته باشیم تا شاید برای خوانندگان عزیز مفید و سودمند باشد.

ص: ۹۱

## فصل هفتم: برخی احکام کلیدی ارث در دو بخش

### اشاره

تذکر:مسائل میراث بسیارپیچیده وگسترده است هر کسی نمی تواند آن را خوب انجام دهد.

در این فصل از بین ۴۹ صفحه از کتاب توضیح المسائل مراجع تقلید این مسائل مهم را خلا صه کردم وبه روش ساده آوردم تاهر طلبه مبتدی وهر آدم کم سواد بتواند ازآن استفاده کند، ونیز هر کسی که وصیت نامه می نویسدیا می خواهد به وصیت عمل کندیا میراث را تقسیم نمایدمناسب است که فصل هفتم این کتاب را بخواند.

### بخش اول: معرفی سه دسته ی اصلی وارثین

از آن جایی که مسئله ارث بسیار مهم است لازم دیده شد که به چکیدهٔ برخی از مسائل مهم ارث مطابق فتوای مشهور مراجع اشاره شود؛ تفصیل آن را در رساله های فقها باید جستجوکرد.

خویشاوندان نسبی میت که مطابق شریعت اسلام از او ارث می برند، سه

دسته هستند به این شرح:

۱- دستهٔ اول از ورّاث عبارتنـد از پـدر و مادر و اولاد میت، و با نبودن اولاد، اولادِ اولاد، هرچه پایین رونـد، هرکـدام آنان که به میت نزدیک تر است ارث می برد؛ و تا یک تن از این دسـته وجود داشـته باشد دستهٔ دوم ارث نمی برند.

۲- دستهٔ دوم: جدّ و جدّه یعنی پدربزرگ و مادربزرگ، و خواهر و برادر، و با نبودنِ خواهر و برادر، اولاد آنان هرکدام که به میت نزدیک تر باشد ارث می برد، و تا یک نفر از این دسته باشد، دستهٔ سوم ارث نمی برند.

۳- دستهٔ سوم: عمو، عمه، دایی، خاله و اولاد آنان است، و تا یک نفر از عموها، عمه ها، دایی ها و خاله های میت زنده باشند اولاد آنان ارث نمی برند.

اما اگر میت عموی پدری (یعنی عمویی که با میت از یک پدر است و از مادر شـریک نیست) و پسـر عموی پدر و مادری (یعنی از پدر و مادر شریک باشند) داشته باشد، ارث به پسر عموی پدر و مادری می رسد و عموی پدری ارث نمی برد.

۴- در تقسیم ارث هر مرد یک سهم و هر زن نیم سهم می برد مثلاً اگر میت یک پسر و دو دختر داشته باشد، برای پسر نصف ارث می رسد و نصف دیگرِ ارث بین دو دختر مساوی تقسیم می شود.

۵- اگر وارث میت فقط یک نفر از دسته اول باشد مثلاً پدر یا مادر یا یک پسر یا یک دختر تمام مال میت به او می رسد و سایر ورثه از دسته دوم و سوم سهمی نمی برند.

۶- همچنین است از دسته ی دوم و یا دسته ی سوم که تفصیل آن را از رساله های مراجع به دست خواهید آورد.

ص: ۹۴

## بخش دوم ارائه مسائل کلیدی دیگر ارث

درادامه لازم دیده شدکه برخی از سائرِمسائل مهم ارث نیزبه طور خلاصه مطرح شود که عبارتند از:

۱- اگر زن دائمی بمیرد و اولاد نداشته باشد نصف همه مال را شوهر او و بقیه مال را ورثه دیگرِ زن می برند.

۲- اگر زن دائمی بمیرد و از آن شوهر یا از شوهر دیگر اولاد داشته باشد یک چهارم همه مال را شوهرش و بقیه را ورثه دیگرآن زن به ارث می برند.

۳- اگر مردی بمیرد و اولاد نداشته باشد، یک چهارم مال او را زن دائمی آن مرد و بقیه مال را ورثه دیگرِمرد می برند.

۴- اگر مردی بمیرد از زن فعلی خود یا از زن دیگرش اولاد داشته باشد یک هشتم مال را زن دائمی و بقیه را ورثه دیگرِ آن مرد به ارث می برند.

۵- زن از همه اموال منقول شوهرش ارث می برد ولی از زمین اعم از زمین خانه، باغ و زمین زراعتی و قیمت آن ارث

نمی برد.

۶- بنـا به فتوای مشـهور و نظر اکثر مراجع عظـام؛ زن از خودِ هوای خـانه ماننـد بنـا و درخت ارث نمی برد ولی از قیمت آن هـا ارث می برد. [در این مورد فتواهای مراجع مختلف است هر کس مطابق نظر مرجع تقلید خود باید عمل کند]

۷- زن و شوهری که به ازدواج موقت به عقد هم در آمده اند از یکدیگر ارث نمی برند مگر آن که در ضمن عقد ازدواج موقت، ارث بردن را شرط کرده باشند.

۸- اگر زن بخواهد در چیزی که از آن ارث نمی برد تصرف کند باید از ورثه

ص: ۹۵

دیگر اجازه بگیرد.

۹- از نظر مراجع عظام ورثهٔ میت تا سهم زن را نداده اند بنابر احتیاط واجب نباید در بنا و چیزهایی که زن از قیمت آن ها ارث می برد بدون اجازهٔ او تصرف کنند.

۱۰- در هر چیزی که زن از آن ارث می برد اگر ورثه آن را بفروشد و با اجازه زن باشد صحیح است واگربدون اجازهٔ زن باشد آن معامله نسبت به سهم آن زن باطل است.

۱۱- اگر میت بیش از یک زن داشته باشد چنانچه اولاد نداشته باشد یک چهارم مال آن مرد به طور مساوی بین زن های عقدی او تقسیم می شود.

۱۲- و اگر چنانچه آن مرد اولاد داشته باشد یک هشتم مال به طور مساوی بین زن های عقدی او تقسیم می شود. (البته در اینکه با آن ها نزدیکی کرده باشد یا نه در فتاوای مراجع اختلاف نظرهایی وجود دارد که باید به آن توجّه داشت).

۱۳- اگر زن را به ترتیبی که در احکام طلاق بیان شده است طلاق رجعی بدهند و در بین عده بمیرد شوهر از او ارث می برد.

۱۴- اگر شوهر در طلاق رُجعی زن در بین عدهٔ زن بمیرد آن زنِ طلاق شده از آن مرد ارث می برد.

۱۵- بعد از گذشتن عده رجعی یا در عدهٔ طلاق بائن یکی از آنان (زن یا مرد) بمیرد دیگری از آن ارث نمی برد.

۱۶- لباسی را که مرد برای پوشیدن زن خود گرفته است اگر چه زن آن را پوشیده باشد بعد از مردن شوهر جزء مال شوهر است. (مگر آن که به فتوای برخی مراجع آن را مرد به زن خود تملیک کرده باشد)

۱۷- قرآن، انگشتر، شمشیر میت و لباسی را که پوشیده است مال پسر بزرگ تر است. (به فتوای برخی مراجع اگر از این ها بیشتر از یکی مال میت باشد پسر بزرگ تر با ورثه دیگر صلح کند.)

۱۸- قضای نماز و روزه پدر با شرایطی که در فقه بیان شده است بر پسر بزرگ تر واجب است که بعد از مرگش بجا آورد یا برای انجام آن ها اجیر بگیرد.

۱۹- مسلمان از کافر ارث می برد ولی کافر اگر چه پدر یا پسر میت باشد از مسلمان ارث نمی برد.

۲۰- اگر کسی یکی از خویشان خود را عمداً و به ناحق بکشد

از او ارث نمی برد ولی اگر از روی خطا باشد از او ارث می برد.

۲۱- اگر کسی بمیرد و زن یا زنان حامله داشته باشد سهم تعدادی را که احتمال می دهند، به عنوان پسر کنار بگذارند و بقیه را بین ورثه تقسیم کنند. (امروز در اکثر نقاط جهان این مسئله حل شده است، زیرا با وسایل پیشرفته مثل سونوگرافی، جنسیت و تعدد جنین مشخص می شود. البته در برخی روستاها هیچ گونه امکانات وجود ندارد که باید به ترتیبی که بیان شد عمل کنند.)

۲۲- اگر در بین ورثه، صغیر یا مجنون وجود داشته باشد یا برخی از وارثین اجازه تصرف در میراث مشترک را ندهند انجام امور مستحب برای میت و نیز تصرف کردن سایر ورثه در مال میراث، جایز نیست؛ لذا باید طبق دستور شرع مقدس اول ترکه صورت بگیرد و حق صغیر و مجنون جدا شود و به قیم شرعی

ص: ۹۷

سپرده شود تا حق آنان تلف نشود.(۱)

۲۳- فرزند خوانده نه محرم است و نه میراث می برد.

۲۴- فرزند رضاعی با شرایط خاص محرم می شود اما میراث نمی برد و نیز از فرزند رضاعی، پدر و مادر که شیر داده اند میراث نمی برند.

۲۵- خواهران و برادران فرزند رضاعی برای والدینی که شیر داده اند، محرم نمی باشند و ارث نمی برند.

این بود فشرده ای از نکات کلیدی مسائل ارث (که از ۴۹ صفحه به ۵ صفحه خلاصه کردم) و برای سهولت در کار علمای بزرگوار، از کتب فتوائی مراجع تقلید (حفظهم الله تعالی) برداشت کرده و ارائه دادم؛ تفصیل مسائل و اختلاف نظرها را از رساله های عملیه باید به دست آورد.

## تذکّری به علما و فرهنگیان

### اشاره

اینک تذکر می دهم و عرضه می دارم: ای علمای عزیز، دانشمندان، مبلغان، خواهران و برادران! عنایت دارید که با توجه به وضعیّت امروزی و فراموش شدن برخی از فرازهای فرهنگ اسلامی، مسئولیت ما سنگین تر و رسالت ما جدّی تر شده است.

امیدواریم همه احساس مسئولیت کنند؛ امروز واجب است که مسائل اعتقادی، احکام شرعی، مسائل سیاسی، دستورهای حقوقی و... از هر طریقی و به هر روش ممکن [توسط رسانه ها، کتاب ها، نشریه ها، نمایشنامه ها، سخنرانی ها و...] بیان شود و به شبهات پاسخ ارائه شود.



---

۱- برگرفته از توضیح المسائل محشی (۱۳مرجع) ج۲صفحات،۷۰۵ تا۷۵۴.

این برادر شما خواست یک اشارهٔ کوتاهی به فرهنگ وصیت داشته باشد، تا شاید گام خیری باشد برای سعادت و خوشبختی نویسنده و پویندگان حقیقت.

به عنوان حسن ختام، این نوشتار را با این دعا به پایان می برم.

«اَللَّهُمَّ ٱرزُقنَا حَیَاهً طَیِّبَهً فِی ٱلدُّنیَا وَ ٱلاِخِرَهِ وَ ٱحشُرنَا مَعَ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّل فَرَجَهُم وَ ارزُقنَا فِی ٱلدُّنیَا زِیَارَتَهُم وَ فِی الاِخِرَهِ شَفَاعَتَهُم.آمِینَ یا رَبَّ ٱلعالَمِینَ.»

در این بخش، برخی از اشعاری را که درباره ی والدین بزرگوارم(ره) سروده ام می آورم تا یادگاری باشد از آن دو فرشته ی رحمت در زندگانی ام و فرازهایی از تاریخ این حقیر.

### به یاد مادر مهربانم(ره)

مادرم بود عزادار حسین (علیه السّلام)

داشت با نام حسین(علیه السّلام) ناله و شین

عاشق زینب و زهرا و علی:

گاه می گفت حسن گاه حسین(علیهماالسّلام)

### نماز مادر

چه خوب راز و نیازی داشت مادر

عجب سوز وگدازی داشت مادر

سحرگاهان وگلبانگ اذانش

به شوق او نمازی داشت مادر

### یادی از پدر مرحومم سید مسلم مدرسی(ره)

(همو که دارای کرامات عجیبی بود«رحمه الله علیه»)

خورشید از آن پیرهنت رفت به افلاک

آن جلوۀ ممتاز تو در پرده نهان شد

در هر قفسی بی نفسی مانده گرفتار

بشکستی قفس جلوه خورشید عیان شد

### تک ستاره (پدرجانم!)

پدر خورشید تابانم تو بودی

همای روح پیمانم تو بودی

نگاهت جلوه ای از آسمان بود

چراغ نور بارانم تو بودی

به نور تابناکت پرگشودم

زلال مهر یزدانم تو بودی

چه خوش بودآن دعاهایت پدرجان

نسیم هر گلستانم تو بودی

به عمق سینه ام نور کلامت

معلم در دبستانم تو بودی

به چشمم گَردِپایت سرمه می شد

صفای چشم و هم جانم تو بودی

فراقت سینه ام را می گدازد

شعاع صبح خندانم تو بودی

چرا کردی غروب ای تک ستاره

فروغ صد شبستانم تو بودی.

### دعای بابا

عجب لطف وصفایی داشت بابا

و هم راز و ثنایی داشت بابا

زیارت کردنش رضوان وکوثر

برای ما دعایی داشت بابا

مدرسی حجازی، تهران، ۲/ ۶/ ۱۳۷۹

### دعای مادر

دعای مادرم نور و ضیا داشت

نوازش های او عشق خدا داشت

به این فرزند نالایق که بودم

زعمق جان خود هر دم دعا داشت

### توجه

تا این جا کتاب وصیت و دستور آن و نیز داستان ها و مطالب مهم دیگر مطرح شد. اینک دو نمونه فرم وصیت برای خانم ها وآقایان ارائه می شود تا از روش آن استفاده شود.

## یک امر مهم فراموش شده

برخی از مؤمنان در سـفر نمازهای شان فوت شده است و نمازهای چهار رکعتی در سفر قصر (شکسته) می باشد، باید قضای آن را شکسته انجام دهند و باید در وصیت نامه نیز روشن کنند تا شکسته انجام شود. [نباید غفلت کرد].

## خاتمه: فرم و الگوی وصیت نامه

برای راهنمائی وسـهولت در نوشـتن وصـیت نامه دو قسم فرم تنظیم شده است، یک فرم برای آقایان ویک فرم برای خانم ها تا برای وصیت نامه نوشتن ازآن ها استفاده شود.[البته بهتر است که فرم در دفتر چه پیاده شود ووصیت نوشته شود وکتاب مورد مطالعه باشد).

ص: ۱۰۲

## روش نوشتن وصیّت نامهٔ آقایان

اینجانب: ......................شهرت: .............................

فرزند: ...................................................... متولّد: ............/ ................/ .................. شـماره شناسنامه: .................................. صادره از: ........................... ساکن: .............................. مقلّد: ................................................ تاریـخ حساب سال: روز:................. ماه:.................. در حال اختیار و عقل، در پیشـگاه خدای بزرگ (جلّ جلاله) شـهادت می دهم به وحدانیّت او، رسالتِ پیامبران الهی: (از حضرت آدم(علیه السّلام) تا حضرت محمّد(صلّی الله علیه و آله وسلّم ))، خاتمیّت پیامبر گرامی اسلام(صلّی الله علیه و آله وسلّم )، امامتِ أمیرالمؤمنین علی(علیه السّلام) و یازده فرزند معصوم آن بزرگوار:و به عصـمت اُمُّ الائمه حضـرت زهرا(علیهاالسّلام) و به حقّانیت دین مبین اسلام و قرآن عظیم الشأن؛ و ایمان دارم به این که مرگ حق است و باور دارم که بهشت و جهنم، حشر و نشر، حساب و کتاب، میزان و صـراط، مکافات و مجازات از طرف خدای حکیم و عادل حق است، و من به رحمت خدای مهربان و شـفاعت پیامبرگرامی اسلام(صلّی الله علیه و آله وسلّم )و ائمهٔ معصومین(علیهم السّلام) و حضـرت زهرا(علیهاالسّلام) امیدوار هسـتم. من، بندهٔ الله، با اعتقادکامل به اصول و فروع اسلام، و عذر تقصیر به پیشگاه ارحم الراحمین، با توجّه به دستور خدا و رسول خدا(صلّی الله علیه و آله وسلّم ) و ائمه معصومین(علیهم السّلام) وصیّت شرعی خویش را به این شرح ارائه

ص: ۱۰۳

می کنم: وصیّ خود آقای ...............................فرزند ............................... به شـماره ی شناسـنامه ی ........................................ و ناظر وصیّت، جهت حسن اجراء آقای/خانم ............................... و قیم فرزندان صغیرم جناب آقای ............................... را تعیین کردم.

امضاء وصی: ......................... امضاء ناظر:

امضاء قیّم فرزندان ..........................

شرح کامل وصیت:

مواردی که باید به آن عمل شود عبارتند از:

محل دفن؛ غسل، نمازمیّت و کیفیّت خاک سپاری:

................................................................................................................................................................................................................

حلّیت خواستن از مؤمنین:

................................................................................................................................................................

نماز وحشت:

........................................................................................................................

تشییع:

........................................................................................................................

مراسم تعزیه:

..................................................................................................................................................................................................................

نماز قضا شدهٔ یومیه:

..........................................................

.........................................................................................................................................................................

نماز آیات:

ص: ۱۰۵

..........................................................................................................................................................................................................

روزهٔ قضا شده:

.............................................................................................................................................................................................................................................................................................................................

سهم مبارک امام(علیه السّلام):

..........................................................................................................................................................................................................................................................................................................................................................................................................................

سهم سادات عظام:

..........................................................................................................................................................................................................................................................................................................................................................................................................................

زکات و زکات فطره:

ص: ۱۰۶

..........................................................................................................................................................................................................................................

..................................................................................................

مظالم العباد:

..........................................................................................................................................................................................................................................

حجّ نیابتی:

..........................................................................................................................................................................................................................................

کفّارات:

..........................................................................................................................................................................................................................................

ص: ۱۰۷

..........................................................................

آن چه باید اجرا شود اگر از اصل ترکه حساب نمی شود از ثلث مالم برداشته شود و بقیهٔ ثلث در مواردی که تعیین می کنم مصرف شود. «دربارهٔ وجوهات و مسایل شرعی باید از مرجع تقلید و یا وکیلش دستور گرفت» مثلاً برای صدقه هایی جاریه (مثل مسجد، مدرسه، وقف قرآن، وقف کتاب، ساختن درمانگاه، خیریه و... مطابق وصیت عمل شود)

مبلـــــــــــــــــــــــــــــــغ .............................................. برای بســـــــــــــــــــــــــــــــتگانم: برادران، خـــــــــــــــــــــــــــــــواهران و
..........................................................................................................................................................................................................

بدهکاری های من از این قرار است:

مهریـهٔ زوجـهٔ دائمی من، خانم .............................. فرزنـد .............................. شـماره شناسـنامه .............................................. صادره از .............................................. مبلغ/تعـداد .............................................. و ..............................................

..........................................................................

..............................................................................................................................................

برای نذر شرعی: ............................................................................

برای غیر بستگانم: ............................................................................

کسانی که به من بدهکار می باشند (طلبکاری های من) با چک یا بدون چک عبارتند از:

.............................................................................................................................................................................................................................................................................................

ص: ۱۰۹

..............................................................................................................................................

ورثهٔ قانونی (حصر وراثت)

ورثهٔ قانونی من عبارتند از:

پـــــــــــدر ......................................... مـــــــــــادر ......................................... همســـــــــــر یـــــــــــا همســـــــــــران بـــــــــــه نـــــــــــام هـــــــــــای
۱...............................................۲...............................................۳...........................................

فرزنـــــــــــدان کـــــــــــبیر مـــــــــــن بـــــــــــه نـــــــــــام هـــــــــــای: (۱...............................................۲.........................................
۳...............................................۴...............................................۵........................................۶...............................................۷...............................................
۸............................................... ۹...............................................۱۰..................

فرزنـــــدان صـــــغیر مـــــن: (۱...............................................۲.............۳...............................................۴...............................................۵...............................................
۶...............................................۷...................

برای فرزنـدان صـغیرم، جناب ................................................................................. فرزند ............................................................ را قیّم، تعیین کردم تا سـرپرستی اطفالم را به عهده داشـته و از حق و اموال شان مطابق شریعت مقدّس اسلام نگهداری

ص: ۱۱۰

نماید و او را به تقوا و امانتداری سفارش می کنم، و باید مطابق دستور مرجع تقلید و علما عمل کند و به امور دینی فرزندانم بیشتر توجّه داشته باشد.

سایر موارد:

..........................................................................................................................................................................................................................................

حق الرّحمهٔ وصیّ: ...........................................................................................................................

حق الرّحمهٔ

ناظر:..............................................................................................................................

حق الرّحمهٔ قیّم فرزندان صغار:.............................................................................................................................................................................

فَمَن بَدَّلَهُ بَعدَ ماسَمِعَهُ فَإِنَّما إِثمُهُ عَلَى الَّذينَ يُبَدِّ لُونَهُ ...

هرکسی که وصیتم را پس از آن که شنید تغییر دهد گناه آن برکسی است که

ص: ۱۱۱

آن را تغییر دهد، خدا شنوا و آگاه است. (کسی حق ندارد وصیت میت را تغییر دهد یا مخالف آن عمل کند)

ه- شمسی: / / ۱۳

ه- ق: / / ۱۴

میلادی: / / ۲۰

امضای وصیّت کننده: ..............................................

امضای وصیّ: ......................................... امضای ناظر: ...........................................

امضای قیّم:...............................................

امضای شاهدها: ۱- ............................................. ۲- ............................................

۳- ......................................................................... ۴- ...............................................

تذکّر: خوب است که وصیّت نامهٔ مهم آقایان وخانم ها، در سه نسخه باشد. (یک نسخه دست وصی، یک نسخه دست ناظر و یک نسخه دست شخص وصیت کننده و در صورت نیاز یک نسخه به مرکز دینی یا در شعبهٔ مناسب دولتی نگهداری شود.)

ملاحظات:.......................................................................................................................................

............................................................................

..................................................................................................................................................................................................................................................

ها:........................................................................................................................................................................................................................................................................................................

ملاحظات:..................................................................................................................................................

........................................................................................................................................................................................................................................................................................................................

ثبت عمدهٔ اموال منقول و غیر منقول:

منزل:...................................................................................................................................................................................................................................

مغازه:...........................................................................................................................................................

..............................................................................................................................

سرقفلی:..................................................................................................................................................................................................................................

.........................................................................................................................................................................

وسایل نقلیه: ........................................................

..........................................................................................................................................................................................................................................................

..........................................................................................................................................................................................................................................................

دارائی و ثروت: .......................................................................................................................................................................................................................

ص: ۱۱۵

موارد:

بود فرم وصیت نامهٔ آقایان. و در امور واجب.

واجب است که خانم ها نیز وصیّت نامه داشته باشند. روی برخی

ص: ۱۱۶

**ملحوظات،**فرم وصیت نامهٔ خانم ها جداگانه ارائه می شود. [و این خود شخصیت دادن برای زنان است.]

## روش نوشتن وصیّت نامهٔ خانم ها

اینجانب: .................................................. شهرت: ..................................................

فرزنـــد: ..................................................... همســـر: ..................................................... متولّـــد: ............./ ................./ ................. شـــماره شناســـنامه: .................................. صـــادره از: .............................. سـاکن: ................................ مقلّد: ................................................. تاریـخ حساب سال: روز:.................. ماه:.................. وصـیّ خود آقای ...................................... فرزند ............................................ را با نظارت آقای ........................................... قرار دادم.

شرح وصیّت:

و...........................................................................................................................................................................................................................................................

.......................................................................................................................................................................................................................................................................................................................................................

وحشت:..............................................

تشیع:.............................................................................................................................................................................................................................................................................................

تعزیـــــه:....................................................................................................................................................نمـــــاز قضـــــای یـــــومیه:

........................................................................................................................................................................................................................

ص: ۱۱۸

نماز آیات و:.........................................................................................................................................

..............................................................................

روزهٔ قضـا:.............................................................................................................................سـهم مبـارک امام(علیه السّلام):

.........................................................................................................................................................................................................

سهم سادات عظام: .................................................................................................................................................مظالم العباد:

.........................................................................................................................................................................................................................................................

ص: ۱۱۹

..........................................................................................................................................................................................................................................................................................................................................................

كفّارات:..................................................................................................................................................................................................................................................................................................................................

..........................................................................................................................................................................................................................................................................................................................................................

توضیح دربارۀ اموال و میراث پدری: ..........................................................................................................................................................................................................................

ص: ۱۲۰

..............................................................................

ورثهٔ قانونی(حصر وراثت)

ورثهٔ قانونی من عبارتند از:

پدر ....................................................... مادر ........................................................ و همسرم به نام ........................................................

فرزنـــــــــــــدان کـــــــــــــبیر مـــــــــــــن بـــــــــــــه نـــــــــــــام هـــــــــــــای: (۱....................................................۲.........................................
۳.....................................................۴....................................................۵............................................ ۶.....................................................

۷. .....................................................۸. .............................................۹. ...............................................۱۰....................................................

فرزنـــــــــــــدان صـــــــــــــغیر مـــــــــــــن: (۱.........................................................۲...............................................
۳.....................................................۴....................................................۵............................................ ۶....................................................۷...................

.........................................................................................................................................................................................................................

ص: ۱۲۱

.................................................................................

حق الرّحمهٔ وصیّ: ..................................................................................................................................................

حق الرّحمهٔ

ناظر:.................................................................................................................................................

ملاحظات:.................................................................................................................................................................................................................................................................

ه- شمسی: / / ۱۳

ه قمری: / / ۱۴

میلادی: / / ۲۰

امضای وصیّت کننده: ...............................................

امضای وصیّ: ............................................ امضای ناظر: ............................................

امضای قیّم:...............................................

امضای شاهدها: ۱- ............................................ ۲- .............................................

۳- ......................................................... ۴- ...............................................

برخی از مسائل قابل توجه:

۱.خود شخص با توجه به شرایط پیش آمده می تواند وصیت خود را تجدید ویا تغییر دهد.

۲.کسی دیگرحق ندارد وصیت کسی را بدون اجازهٔ شخص او تغییر دهد.

۳.پنهان کردن وصیت باعث مشکلات و خطرناک است. و نیز زمینه ساز حرام خواری و فساد خواهد بود.

تجدید نظر یا مطالب ضروری دیگر:

........................................................................................................................................................................................................................................................

ص: ۱۲۳

..........................................................................................................................................................

......................................................................................

چند تذکرمهم و قابل توجه:

وصیت نامهٔ خود را توسط یک عالم بنویسید. (اگرچه خرج و هزینه داشته باشد اجر و ثواب خواهد داشت)

در حل و فصل مسائل به مرجع تقلید یا وکیلش مراجعه کنید.

امضای وصی، قیّم، ناظر و شاهدها فراموش نشود.

اگر وصیت نامهٔ شما مهم است و احتمال نابودکردن یا تغییردادن آن است، چند نسخه تکثیر کرده آن را رسمی و قانونی بسازید و در جاهای مهم بگذارید.

هر آنچه وصیت می کنید باید مطابق فتوای مرجع تقلید باشد.

به برخی آقایان اخطار می شود و جدی تذکر داده می شود: اگر مسئله ای را بلد نباشید مخصوصاً تقسیم میراث، ابداً مداخله نکنید و متوجه باشید که مدیون نشوید که سخت خطرناک است؛ حق الناس حتی با شهید شدن هم بخشیده نمی شود.

**منابع عمدهٔ تحقیق [ذکرمنبع دلیل تأیید نمی باشد]**


۱. قرآن عظیم الشأن.

۲. اصول کافی؛ مرحوم کلینی(ره) ترجمهٔ کمرهای چاپ ۳-

۱۳۷۵

۳. الاحتجاج؛ ابی منصور احمد بن علی الطبرسی طبع ۱۴۰۳ ه-ق

۴. بحارالانوار؛مرحوم علّامه مجلسی(ره) تحقیق علوی...۸۸،تهران.

۵. تحف العقول؛ ترجمهٔ احمد جنّتی، انتشارات امیرکبیرتهران۱۳۸۴.

۶. تحریرالوسیله حضرت امام خمینی(ره)دارالعلم قم چ نهم ۱۳۸۰ش.

۷. تو ضیح المسائل محشی متن ازامام خمینی، حاشیه مراجع دیگر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین قم چاپ یازدهم۱۳۸۴ش.

۸. غرر الحکم؛ عبد الواحد تمیمی آمدی،ضریح آفتاب ۱۳۸۱

۹. فرهنگ سخنان امام حسن(علیه السّلام)؛ترجمهٔعلی مؤیدی چاپ اوّل

۱۰. فرهنگ سخنان امام حسین(علیه السّلام)؛ محمّد صادق نجمی چاپ اوّل

۱۱. کنز العمال؛ المتقی الهندی،مکتبهٔ التراث الاسلامی، بیروت،۱۳۹۷.

۱۲. میزان الحکمه؛ محمّد محمّدی ری شهری دارالحدیث،۱۳۸۵.

۱۳. من لایحضره الفقیه؛ للصدوق(ره)تحقیق:علی اکبر الغفاری، قم.

۱۴. نهج البلاغه؛ ترجمهٔ محمّد دشتی، ناشر: بکاء، چاپ کوثر۱۳۸۶.

۱۵. وسائل الشیعه؛مرحوم حرعاملی(ره)نشرمؤسسهٔ آل البیت،۱۴۰۹ق.

۱۶. وصیت نامهٔ سیاسی- الهی امام خمینی(ره) تهران نشرآثار،۱۳۷۳.

۱۷.و...


ص: ۱۲۵

## آثار چاپ شدهٔ مؤلف

زمزم نور (دائره المعارف حرمین) چاپ دوم.

خوشه های خورشید در سوریه.

ارمغان ازدواج (ارمغان۱) چاپ سوم.

گلواژه های معارف (۱) چاپ پنجم.

کتاب حاضر (وصیّت نامه) چ چهارم. با اضافات مهم.

ارمغان تربیت (ارمغان۳) چاپ اول. در ۳۰۰۰نسخه

درفش آفتاب ؛ مجموعه شعر«۱» ،چاپ اول.

دفترچهٔ ازدواج (نکاح نامهٔ رسمی) جالب.چ هفتم.

مژده های فرهنگی و تاریخی

ان شاءالله به زودی بخشی از شعرهایم را چاپ خواهم کرد.

و نیز کتابی دربارهٔ انقلاب اسلامی چهار کنت و کتابی دربارهٔ شهدای روحانیت و دانشمندان تحت عنوان (علمای شهید شیعه افغانستان )را زیر دست دارم اگر گزارش هایی داشته باشید ارائه فرماییدتا ان شاءالله چاپ شود.

ص: ۱۲۶

## آثار چاپ نشدۀ مؤلف

همگام با فرشتگان (با زائران عراق). آمادۀ چاپ.

ارمغان خانواده (ارمغان ۲). در راه است.

آبشارهای رحمت.

عقاید.

برگی از انقلاب اسلامی.

شکوفه های یاس (اَشعار مدرّسی حجازی). آمادۀ چاپ.

صلوات (ارمغان محبوب).

درس هایی پیرامون وهّابیّت.

پاسخ به پرسش های دینی.

حدیث منزلت.

عالمان شهید شیعه افغانستان

مقالات.

تحقیق درباره امامت.

۲۰.مصاحبه ها وکارشناسی معارف در رادیوها.

گلواژه های معارف(۲).

از کوی دوست (خاطراتی ازسفرحج.)

**مؤسسه قرآنی – پژوهشی پیامبر رحمت(صلّی الله علیه و آله وسلّم )**

در موارد زیر اعلام آمادگی می شود:

پاسخ به سؤالات شرعی، مشاوره حضوری در زمینه های مختلف؛

امور حج، عمره، عتبات و...؛

سخنرانی و برنامه های فکری، فرهنگی، تبلیغی و آموزشی؛

مراسم عقد و دفترچه ازدواج (صدور عقدنامۀ شرعی و قانونی)؛

کتاب ها و سی دی های فرهنگی؛

کلاس های تجوید قرآن، احکام، عقاید، اخلاق و...؛

ارائۀ کتاب های مؤلف با تخفیف ویژه؛

توزیع کتاب های رایگان برای کتابخانه ها، مدارس، مساجد و...؛

تلفن تماس: ۰۹۱۵۳۲۲۶۳۲۴ (مدرّسی حجازی) ۰۹۳۰۷۶۹۰۹۰۵

برای دریافت کتاب و نکاحنامه (دفترچه ازدواج) ۰۹۰۱۵۵۳۱۶۵۷

یاد آوری های مهم:

در کتاب گلواژه های معارف، مهم ترین مطالب ضروری را نوشته ام (اصول دین، فروع دین، مسائل شرعی، مسائل عقد، آداب نوزادان، آداب اموات، تلقین، نماز میت، دعا و...)

شایسته است که این کتاب را داشته باشید و به دوستان تحفه بدهید.

کتاب ارمغان ازدواج (ارمغان۱) گنجینه اسراری است برای نسل جوان ( اعم از پسران و دختران)

ارمغان تربیت (ارمغان ۳) نمونه دانشکده کودک و نوجوان است. این کتاب تازه چاپ شده است و برای هر خانواده لازم و مفید است. فهرست ها رایک بار مطالعه فرمایید.

ص: ۱۲۸

## درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹